ماندگار

روزنامهٔ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال پنجم ❁ شمارهٔ یکهزار دو صدو دوم ❁ دو شنبه ۲ جدی/آذر ۱۳۹۲ ❁ ۱۹ صفرالمظفر ۱۴۳۵ ❁ ۲۳ دسمبر ۲۰۱۳

فرانسوا ولتر

چرب‌زبانان اغلب نیتی ناپاک در قلب می‌پرورانند.

رییس‌جمهور کرزی:

شیرینی را به امریکایی‌ها دادیم

صفحه ۶

وزیر دفاع آلمان:

حامد کرزی توافقنامهٔ امنیتی را امضا کند

وزیر دفاع جدید آلمان روز یکشنبه از حامد کرزی رییس‌جمهور افغانستان خواست پیمان امنیتی مربوط به ادامه حضور نظامیان خارجی تحت فرماندهی ناتو را پس از سال ۲۰۱٤ میلادی، امضا کند.

اورسولا فاندر لین، اولین وزیر دفاع زن در تاریخ آلمان روز یکشنبه در سفری غیرمنتظره وارد شهر مزار شریف در شمال افغانستان شد تا با نظامیان این کشور در این منطقه دیدار کند.

امریکا و چندین کشور عضو ائتلاف نظامی خارجی در افغانستان با اعمال فشار به کرزی از وی خواسته اند با امضای پیمان امنیتی با امریکا، اجازه استقرار هزاران نظامی خارجی را در این کشور پس از سال ۲۰۱٤ میلادی فراهم کند.

وزیر دفاع آلمان گفت:...

ادامه صفحه ٦

چرا شانس تاریخی را از دست بدهیم؟

واگذاری شانس عضویت نیم دایم افغانستان در شورای امنیت سازمان ملل متحد به هند، واکنش‌های نماینده‌گان شورای ملی، آگاهان روابط بین‌الملل و اعضای جامعهٔ مدنی کشور را بر انگیخته است.

آنان می‌گویند افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی ممکن منزوی شود، اما عضویت نیمه دایم در شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند افغانستان را بار دیگر مورد توجه جهانیان قرار دهد.

اما شماری دیگر از کارشناسان بین‌المللی می‌گویند، عضویت به صورت غیر دایم در شورای امنیت سازمان ملل متحد بیشتر «نمادین و سمبولیک» است؛ زیرا تصامیم مهم این شورا توسط پنج عضو دایم آن گرفته می‌شود.

این درحالی است که حکومت افغانستان می‌گوید که امتیاز عضویت خویش در کرسی نیمه دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱ را «به پاس دوستی» به هندوستان واگذار کرده است.

سخنگوی رییس‌جمهور کرزی به روزنامهٔ ماندگار گفته بود: «هند از حکومت افغانستان خواست که این چوکی را برای ما واگذار کنید و ما به دلیل این‌که هندوستان دوست قدیمی ماست و رابطهٔ استراتژیک با این کشور داریم و دهلی در عرصه‌های مختلف با ما همکاری دارد، این درخواست آنان را پذیرفتیم».

اعضای مجلس می‌گوید که حکومت باید در چنین مواردی با نهادهای مدنی و کمیسیون روابط خارجی و امنیت داخلی مجلس نماینده‌گان مشورت کند.

داکتر عبدالقیوم سجادی عضو کمیسیون روابط خارجی مجلس نماینده‌گان می‌گوید: «حکومت افغانستان نه تنها در این خصوص بلکه در بسیاری از موارد دیگری که انتظار می‌رود کمیسیون روابط خارجی مجلس در جریان باشد، متأسفانه با آنان مشورت...

ادامه صفحه ٦

رییس مجلس سنای ایتالیا:

حضور نیروهای ما در افغانستان اجتناب‌ناپذیر است

رییس مجلس سنای ایتالیا حضور نیروهای نظامی این کشور در افغانستان را پس از سال ۲۰۱٤ میلادی، اجتناب‌ناپذیر دانست.

به گزارش شبکه تلویزیونی رای نیوز ایتالیا، پیئترو گراسو رییس مجلس سنای ایتالیا...

ادامه صفحه ٦

نگرانی جدی شورای امنیت ملی از تخریب تجهیزات امنتیی توسط نیروهای ایتلاف

شورای امنیت ملی افغانستان، تخریب وسایل، تجهیزات و تأسیسات نظامی توسط نیروهای ائتلاف را غیرموجه و مایهٔ نگرانی جدی خوانده است.

در جلسه‌یی‌که روز گذشته تحت ریاست حامد کرزی در ارگ برگزار شد، «شورای امنیت ملی از تداوم پروسه انتقال تأسیسات نیروهای ائتلاف به حکومت افغانستان استقبال نمود؛ ولی مواردِ چون تخریب وسایل، تجهیزات و سایر تأسیساتِ ضروری مربوط به نیروهای ائتلاف را که تحت عنوان به اصطلاح عدم قابلیت حکومت افغانستان در حفظ و مراقبت و تأمین امنیت تاسیسات یاد شده از جانب آنان بیان می‌گردد را یک عمل غیر موجه و مایهٔ نگرانی جدی دانست.»

براساس خبرنامهٔ ارگ، جلسهٔ شورای امنیت ملی به وزرای دفاع ملی، امور داخله، مالیه و مشاور امنیت ملی وظیفه سپرد تا نگرانی‌های جدی حکومت افغانستان را در این زمینه با هیأت رهبری نیروهای آیساف در افغانستان مطرح نموده و بعد از دستیابی به یک تفاهم کلی، نتایج آن را به جلسه شورای امنیت ملی گزارش دهند.

در این جلسه، وضعیت امنیتی کشور مورد بررسی قرار گرفت...

ادامه صفحه ٦

در برگ ها

شانس عضویت در شورای امنیت نباید از دست می‌رفت! ۲

درد سر های حقیقت ۴

پرفورمنس آرت و ارتباط آن با هنرهای تجسمی ۵

سومین نشست مشورتی آجندای ملی- پنجشیر گفتو گوهای اشتراک‌کننده‌گان ۷

سخن ماندگار

پیمان امنیتی باید تضمین‌کنندۀ ثبات در افغانستان باشد

گزارش‌ها حاکی از آن‌اند که مذاکراتِ افغانستان و ناتو پیرامونِ استقرار نیـروهای این نهادِ بین‌المللی پس از سال ۲۰۱٤ آغاز شده است. اما این مذاکرات در حالی آغاز می‌شود که هنوز موافقت‌نامۀ امنیتی میان ایالات متحده و افغانستان، امضا نشده و حتا مذاکرات پیرامونِ آن به بن‌بست رسیده است.

در همین حال، امضای سند امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده، یکی از پیش‌شرط‌های پیمانِ افغانستان و ناتو برای استقرار نیروهای آن نهاد در افغانستان شمرده می‌شود. به این معنا؛ تا زمانی که سند امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده به امضا نرسد، مذاکرات با ناتو نیز به جایی نخواهد رسید. حتا دبیر کل ناتو تأکید کرده که موافقت بر سر استقرار نیروهای ناتو در افغانستان، پیش از امضای موافقت‌نامۀ امنیتی با ایالات متحده نتیجه نخواهد داد. پس با این حساب، نتیجه آن است که هیچ توافقی میانِ ناتو و افغانستان مبنی بر استقرار این نیروها پس از سالِ ۲۰۱٤ صورت نخواهد گرفت و این مذاکرات جز اتلاف وقت، چیز دیگری نمی‌باشد. اما با توجه به چنین شرایطی، به نظر می‌رسد که موافقت‌نامۀ امنیتی اکنون اهمیتِ دوچندان پیدا کرده است و به احتمال قوی، مذاکرات ناتو با دولت افغانستان، نوعی فشار است تا حکومت راضی به امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده گردد.

همواره گفته می‌شود که پیمان امنیتی قربانی شرط‌های شخصی آقای کرزی شده، و اکنون نیز علی‌الظاهر دیده می‌شود که عدم امضای این پیمان، به صورت زنجیره‌یی امکانات و شانس‌های بیشتری را از افغانستان می‌گیرد. ولی بحثِ ما در این نوشتار بر سرِ آن نیست که آقای کرزی مقصرِ اصلی قضیه است و منافع عمومی را فدای منافع شخصی‌اش می‌سازد؛ بل مسالۀ اساسی این است که اگر آقای کرزی شرط و شرایطی از جنسِ تضمین ثبات در افغانستان و مبارزۀ مستمر با تروریسم برای ایالات متحده تعیین می‌کند، چرا امریکایی‌ها آن‌ها را نمی‌پذیرند. زیرا چنین شروطی به شخصِ آقای کرزی برنمی‌گردد و با اهداف و شعارهای ایالاتِ متحده برابر است.

این‌که ایالات متحده باید مکلف به تأمین صلح و ثبات در افغانستان باشد، یک نکتۀ معقول و اساسی می‌نماید. زیرا همه می‌دانند که ایالات متحده ظرفیتِ بسیار بالایی برای تحکیم صلح و ریشه‌کن کردنِ تروریسم دارد. مسلماً طالبان و القاعده خود یک پروژۀ امریکایی بودند که خواسته یا ناخواسته، بلای جان جهانیان شدند. بارها به تجربه دیده شده که ایالات متحده هر وقت منافعش با خطر جدی روبه‌رو گشته، هر نوع امر ناممکن را ممکن ساخته و در برخی برهه‌های زمانی، بلاهایی بزرگ‌تر از طالبان را از میان برداشته است.

امریکایی‌ها در پیمان امنیتی می‌گویند که به آن‌ها باید پایگاه داده شود و بعد از آن، هیچ‌وقت از پایگاه‌های‌شان بیـرون نخواهند شد. بی‌تردید که چنین حضوری، می‌تواند نگران‌کننده و یأس‌آور باشد. به این معنا که وقتی امریکایی‌ها فقط در پایگاه‌های‌شان حضورِ آرام داشته باشند و نسبت به بیرون از آن و آتش‌افروزی‌های معمولِ تروریستان بی‌تفاوت بمانند؛ حاصلِ مردم افغانستان از این نوع قرارداد چیست؟ و فلسفۀ وجودیِ این پایگاه‌ها در سرزمینِ ما چه می‌تواند باشد؟

بدیهی‌ست که افغانستان این قرارداد را برای برگشت صلح و تأمینِ منافع درازمدتش امضا می‌کند؛ پس حق دارد که محتاط باشد، بپرسـد و شرایط طرح کند. همه می‌دانند که مخالفت‌های زیادی در منطقه بابتِ این پیمان وجود دارد؛ افغانستان با امضای این پیمان روابطش با برخی از کشورها ـ خواسته یا ناخواسته ـ تیره می‌گردد و آن‌ها علیه این سرزمین دسیسه می‌چینند و هزینه می‌کنند. اما مردم افغانستان این‌همه تاوان را به امید دست‌یابی به سودهای کلان‌تر می‌پذیرد. ولی اگر قرار باشد پایگاه‌های امنیتیِ ایالات متحده هیچ کمکی به حالِ استقرار صلح و ثبات در افغانستان و نیز محو تروریسـم نکند، پس همان به که هیچ پیمانی امضا نشود!

احمد عمران

شـانس عضـویت در شـورای امنیـت نباید از دست می‌رفت!

واگذاری امتیاز عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد به هند از سوی آقای کرزی، اگر در ظاهر از حسن نیت در مناسبات با این کشور دوست می‌تواند خبر دهد، ولی در عین حال پرده از برخی معاملات و زدوبندهای سیاسی نیز برمی‌دارد.

بر اساس طرح سازمان ملل متحد، قرار بود افغانستان در سال‌های آینده عضویت شورای امنیتِ این سازمان را که بدون شک از اعتبار کم‌نظیر سیاسی و دیپلماتیک برخوردار است ـ به‌دست آورد؛ ولی سفر اخیر آقای کرزی به هند سبب شد که افغانستان این امتیاز ویژه را به کشور هند واگذار کند.

با توجه به موقعیت ژیوپولتیکِ افغانستان در منطقه و نیز با توجه به تهدیدهایی که با آن‌ها رو به روست، راه یافتن به شورای امنیت سازمان ملل می‌توانست بر نقش و جایگاهِ کشور در مناسبات منطقه‌یی و بین‌المللی، تأثیراتِ چشم‌گیر و گسترده‌یی بگذارد که بدون شک برای بقا و آیندۀ سیاسی افغانستان، از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌بود. افغانستان با کسب عضویت شورای امنیت می‌توانست به عنوان کشوری بااعتبار در منطقه شناخته شود و در حل منازعاتِ منطقه‌یی دست بالایی داشته باشد؛ ولی حالا این امتیاز در اختیار یکی از متحدانِ افغانستان قرار خواهد گرفت که حداقل می‌تواند باعث نگرانی‌هایی برای کشور دیگر همسایۀ افغانستان (پاکستان) شود. پاکستانی‌ها از سال‌ها به این‌سو نسبت به مناسبات و حضور هند در افغانستان به عنوان رقیب منطقه‌یی خود، دچار نگرانی‌هایی‌اند و در بسیاری مواقع تلاش کرده‌اند که با استفاده از ابزارهای مختلف، دولت‌مردان افغانستان را وادارند که نسبت به این مناسبات، محتاط باشند. زیاده‌خواهی‌های پاکستانی‌ها بر کسی پوشیده نیست، و این کشور می‌تواند به عنوان مخلِ وضعیت در منطقه عمل کند. در طول دهَ سال گذشته، پاکستان برخلاف اظهارات رسمی، از تروریسم و بنیادگرایی حمایت کرده و نقش تعیین‌کننده‌یی در وضعیت نابه‌سامانِ افغانستان بازی کرده است. پایگاه‌های نیروهایِ تروریستیِ مخالف دولت هم‌چنان در آن‌سوی مرزها به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند و همه‌روزه صدها شورشی افغان و غیرافغان به کمک شبه‌نظامی‌های پاکستانی برای ادامۀ جنگ با نیروهای دولتی و بین‌المللی، وارد خاک افغانستان می‌شوند.

بسیاری از آگاهان سیاسی باور دارند که نبود استراتژی در دستگاه دیپلماسی افغانستان، سبب بسیاری از سوءتفاهم‌ها و حتا زیاده‌خواهی‌های برخی کشورهای همسایه شده است. به گونۀ مثال، دولت افغانستان همواره در سیاست‌های رسمی خود، پاکستان را به عنوان کشور دوست و برادر شناخته، ولی در عین حال نتوانسته با این کشور بر سر مسایل مناقشه‌آمیز و قابل حل بر سر میز مذاکره، گفت‌وگوهای سازنده داشته باشد. آقای کرزی در ده سال گذشته با حرف‌های متناقض و چندپهلو، گاهی پاکستانی‌ها را دشمن خوانده و گاهی دوست. گاهی از امریکا خواسته که به این کشور حملۀ نظامی انجام دهد و گاهی گفته است که اگر امریکا به پاکستان حمله کند، در کنار پاکستان خواهد ایستاد. اما این‌گونه اظهارات در هیچ فرهنگ سیاسی و دیپلماتیکی، قابل پذیرش نیست.

کشورها باید بر اساس منافع خود، به تعریف دقیق از مناسبات بین‌المللی و منطقه‌یی خویش بپردازند. ویژه‌گی‌های هر کشور می‌تواند نوع برخورد و مناسباتِ آن را با دیگر کشورها و به‌ویژه همسایه‌های آن تعیین کند. در این‌که افغانستان در یکی از پُرچالش‌ترین مناطق جهان واقع شده، جای تردید نیست. در این هم تردیدی نیست که افغانستان با همسایه‌های خاصی طرف هست؛ همسایه‌هایی که حداقل در سه دهۀ اخیر به گونۀ گسترده در وضعیت کشور نقش داشته‌اند و هر کدام نیز برای خود جایگاه و موقعیت ویژه‌یی را طلب می‌کنند. برخی از کشورهای منطقه با یک‌دیگر رقابت و حتا دشمنی دارند و این رقابت و دشمنی‌ها، پای افغانستان را هم وارد منازعات کرده است. هم‌اکنون نیز بخش عمده‌یی از جنگ فعلی در افغانستان، جنگی است که برخی سازمان‌های استخباراتی منطقه در راستای منافعِ خود در میدان افغانستان به‌راه انداخته‌اند.

این‌ها همه باید به عنوان واقعیت‌های ژیوپولتیک افغانستان به رسمیت شناخته شوند و با توجه به این واقعیت‌ها، مناسبات و سیاست‌های افغانستان با کشورهای منطقه، تعیین و تدوین شود. ما باید بپذیریم که کشوری آسیب‌پذیر از سوی برخی همسایه‌ها هستیم، ولی نباید تنها به پذیرش آن اکتفا کنیم؛ بل باید این آسیب‌پذیری را به فرصتی برای ایجاد مناسباتِ سازنده بر پایۀ منافع مشترک تبدیل سازیم. آیا دستگاه دیپلماسی افغانستان قادر بوده و یا هست که چنین مناسباتی را برای مردم افغانستان که بدون شک در آن منافع کشور ضمانت خواهد شد، به وجود آورد؟!... بدون شک پاسخ به چنین پرسشی، منفی است و از همین‌جا می توان فهمید که چرا افغانستان هم‌چنان به عنوان کشوری دچار بحران‌های کلانِ منطقه‌یی باقی مانده است. ما حتا از حضورِ گستردۀ جامعۀ جهانی با آن حمایت‌های کلان مالی به نفع کشور نتوانستیم استفاده کنیم، چه رسد به این‌که تقابل‌های منطقه‌یی را به فرصتی سازنده تبدیل کنیم و این امکانات را از قوه به فعل درآوریم.

حضور افغانستان در شورای امنیت، بسیار حیاتی و مهم برای حال و آیندۀ کشور می‌توانست تلقی شود. از این جایگاه، افغانستان بهتر می‌توانست نقش و حضورِ خود را در مناسبات منطقه‌یی و بین‌المللی نشان دهد. اما پرسش این‌جاست که چرا این فرصت در اختیار کشور دیگری قرار می‌گیرد؟ هند کشور دوست و مورد اعتماد مردم افغانستان است. این کشور در طول سـالیانِ دراز در کنار مردم افغانستان بوده و اگر از حقِ نگذریم، حضوری فعال و سازنده داشته است. اما این مناسبات هرگز نباید به قربانی کردنِ منافع کلان ملی افغانستان بینجامد. اگر قرارِ باشد کشورها دست به چنین حاتم‌بخشی‌هایی بزنند، آن‌گاه دیگر چیزی به عنوان منافع ملی در جهان برای کشـورها وجود نخواهد داشت. هندی‌ها باید موقعیت و وضعیت حساسِ افغانستان را درک کنند و نگذارند که اینِ کشور هم‌چنان در باتلاق بحران و ناامنی که متأسفانه بخش اعظم آن، ناشی از سوءمدیریت رهبران آن است، فرو بماند.

به گمان قوی، آقای کرزی با نشان دادن این حسن نیت به هندی‌ها ضمن این‌که خواسته از کمک‌ها و حمایت‌های‌شان ابراز امتنان کند، خواسته‌ها و اهداف شخصی‌یی نیز دارد که با انتخابات و زعامتِ آیندۀ کشور رابطۀ تنگاتنگ می‌داشته باشد.

هند کشور دوست و مورد اعتماد مردم افغانستان است. این کشور در طول سالیانِ دراز در کنار مردم افغانستان بوده و اگر از حق نگذریم، حضوری فعال و سازنده داشته است. اما این مناسبات هرگز نباید به قربانی کردنِ منافع کلان ملی افغانستان بینجامد. اگر قرار باشد کشورها دست به چنین حاتم‌بخشی‌هایی بزنند، آن‌گاه دیگر چیزی به عنوان منافع ملی در جهان برای کشورها وجود نخواهد داشت.

کاسترو به امریکا:

بیایید «روابط متمدنانه» داشته باشیم

رییس جمهور کوبا خواستار برقراری «روابط متمدنانه» امریکا با کشورش شد؛ اما تاکید کرد که سیستم سیاسی و اقتصادی کشورش موضوعات غیرقابل مذاکره هستند.
به گزارش خبرگزاری رویترز، رائول کاسترو، رییس‌جمهور کوبا در نشست پایان سال پارلمان این کشور گفت: دو کشور اخیراً پس از تقریباً نیم قرن دشمنی توانسته‌اند مذاکراتی درباره منافع مشترک دوجانبه داشته باشند.
وی گفت: فکر می کنم می توانیم مسایل دیگر را نیز حل و فصل کنیم، روابط متمدنانه میان دو کشور چیزی است که مردم ما و اکثر شهروندان امریکایی و مهاجران کوبایی خواستار آن هستند.
رییس‌جمهور کوبا تأکید کرد: این دو همسایه باید به تفاوت‌های یکدیگر احترام بگذارند. امریکا باید برنامه براندازی حکومت کمونیستی در این جزیره بزرگ را کنار بگذارد.
به گفته کاسترو چنین تغییری می‌تواند به هر دو طرف فرصت دهد برای بهبود روابط تلاش کنند.
اظهارات کاسترو دو هفته پس از دست دادن وی در مراسم بزرگداشت نلسون ماندلا، رهبر مبارزه با تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی که رابطه نزدیک و محکمی با رهبران کوبا داشت، صورت گرفت.
در یک نطق عمومی که محتوای آن کم‌سابقه تلقی شده است، رائول کاسترو گفت: مقامات کوبا و امریکا در یک سال گذشته بارها دیدار داشته‌اند تا درباره مسائل کاربردی از جمله مهاجرت و برقراری مجدد ارتباط پستی بین این دو همسایه مذاکره کنند. این مراودات، نشان می‌دهد روابط این دو کشور می‌تواند «متمدنانه» باشد.
با این حال رهبر کوبا هشدار داد که اگر دو طرف، به تفاوت‌های یکدیگر احترام نگذارند «ما برای ۵۵ سال دیگر هم مثل آن‌چه تاکنون گذشته، آماده‌ایم.»
از سال ۱۹۶۱ میلادی و با انقلاب چپ‌های متمایل به شوروی، امریکا که با حکومت قبلی روابط نزدیکی داشت و با شوروی هم در «جنگ سرد» بود، با کوبا قطع رابطه کرد و تحریم اقتصادی علیه این کشور اعمال کرد.
رائول کاسترو در جلسه پایانی پارلمان کوبا در ساختمان کاپیتال در هاوانا، به قانون‌گذاران کشورش گفت: ما در پی تغییر نظام سیاسی یا اجتماعی امریکا نیستیم. به همین ترتیب، حاضر به صحبت‌کردن درباره تغییر نظام خودمان هم نیستیم.
رائول کاسترو ۸۲ ساله، هفت سال پیش در ۲۰۰۶ میلادی، جانشین برادرش فیدل شد. دو سال بعد فیدل کاسترو رسما کناره‌گیری کرد و قدرت را به طور دائمی به رائول واگذار کرد.
رییس‌جمهوری کوبا از آن‌زمان یک برنامه اصلاحات اقتصادی در پیش گرفته که کمک کرده است تلاش‌ها برای بهبود روابط با ایالات متحده، پیش برود.
با این حال منتقدانی هم هستند که می‌گویند سرعت این اصلاحات، خیلی کم بوده است.
با این حال کاسترو در سخنرانی اخیر خود گفت که نمی‌توان در روند اصلاحات در کوبا عجله کرد وگرنه شکست می‌خورد.
یکی از جدیدترین تغییراتی که رهبر کوبا اعلام کرده، پایان محدودیت در خرید خودرو نو و دست دوم برای افراد است. به این ترتیب که هر کس توان مالی داشته باشد می‌تواند از دولت خودرو بخرد. تاکنون فقط کسانی که مجوز خاصی از دولت داشتند، می‌توانستند در کوبا موتر بخرند.

انتقادهای بین‌المللی از افزایش بازداشت‌های سیاسی در مصر

تصویب و اجرای قانون جدید تظاهرات در مصر که به افزایش موج بازداشت‌ها در این کشور منجر شده، واکنش‌های متعددی را در محافل بین المللی به دنبال داشت.
به گزارش شبکه خبری الجزیره، دیده‌بان حقوق بشر در واکنش به افزایش موج بازداشت‌ها در مصر اعلام کرد: دستگاه امنیتی مصر فشارها بر فعالان سیاسی این کشور را افزایش داده و پس از تصویب قانون جدید تظاهرات، ده‌ها تن از تظاهرکنندگان را بازداشت کرده است.
این سازمان گزارش داد: بازداشت‌هایی که از سوی مسئولان مصری انجام می‌شود در حقیقت یک اقدام برنامه‌ریزی شده جهت خاموش کردن صدای عدالت خواهی و اصلاح طلبی مردم مصر است.
در همین راستا، ازرا زیا، معاون جان کری، وزیر امور خارجه امریکا در سفری به قاهره، استفاده از زور و خشونت و برای سرکوب تظاهرکنندگان در مصر را محکوم کرد.
در بیانیه‌یی که از سوی وزارت خارجه امریکا صادر شد آمده که ازرا زیا نسبت به افزایش بازداشت‌های سیاسی در مصر ابراز نگرانی کرده و از دولت کنونی مصر خواسته تضمینی برای انجام محاکمه عادلانه و شفاف متهمانی که اقدامات خشونت‌آمیز و مجرمانه آنها به اثبات رسیده ارائه دهد.
از سوی دیگر، چاک هاگل، وزیر دفاع امریکا و ماری هارف، سخنگوی وزارت خارجه این کشور نیز از بازداشت‌های سیاسی و اعمال خشونت نیروهای امنیتی مصر علیه تظاهرکنندگان انتقاد کردند.
پیشتر نیز سازمان ملل در خصوص شکنجه زندانیان مصری از مقامات این کشور توضیح خواسته بود.

رییس جدید ارتش پاکستان:

حملات تروریستی را تحمل نمی‌کنیم

رییس ارتش پاکستان با تاکید بر اینکه حملات تروریستی در کشور تحمل نشده و به هرگونه اقدام تروریستی پاسخ موثر داده می‌شود، حمایت کامل ارتش را از فرآیند صلح به رهبری دولت اعلام کرد.
جنرال راحیل شریف، رییس ستاد کل ارتش پاکستان از مقر یگان‌های ارتش در شهر پیشاور بازدید کرد و به نظامیان کشته شده در جنگ با ترور ادای احترام کرد.
جنرال شریف همچنین از عزم افسران و سربازان ارتش در جریان جنگ با تروریسم و با ثبات کردن مناطق مورد حمله شبه نظامیان قدردانی کرد.
وی همچنین به همه طرف‌های مربوطه دستور داد تا با کیفیت و به موقوع این پروژه‌ها را تکمیل کنند.
شریف تاکید کرد که حملات تروریست‌ها تحمل نخواهد شد و به هرگونه اقدام تروریست‌ها به طور موثر و جدی پاسخ داده می‌شود.
دولت نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان قول داده که شورشیان را وادار به تحویل سلاح و آغاز مذاکرات صلح خواهد کرد.

نبرد میان اسلام‌گرایان در ترکیه

پیروزی از آن کیست؟

با بالا گرفتن تنش بر سر پرونده فساد مالی در ترکیه، به نظر می‌رسد جنگ قدرت میان دو جناح اسلام‌گرای اصلی این کشور آغاز شده که در نهایت تنها ذی‌نفع این جنگ، جناح لائیک و نظامیان ترکیه خواهند بود.
به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، از زمان رسانه‌یی شدن مساله فساد برخی از مسوولان و مقامات ارشد نزدیک به حزب عدالت و توسعه حاکم، دولت رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیری ترکیه اقدامات گسترده‌ای برای رویارویی با عاملان دستگیری مسئولان نزدیک به خود آغاز کرده است.
به نظر می‌رسد مساله اصلی اختلاف میان حزب اسلامگرای عدالت و توسعه و جریان نزدیک به فتح‌الله گولن، مبلغ اسلامگرا و شخصیت با نفوذ در ترکیه است که عملاً بخشی از دستگاه قضایی این کشور را در کنترل خود دارد.
روز جمعه دولت اردوغان تعداد دیگری از نیروهای امنیتی و پولیس شهرهای مختلف ترکیه را به اتهام همکاری کردن با «گروه‌های خاص» در دستگاه قضایی از کار خود برکنار کرد. از جمله مهمترین افراد برکنار شده رئیس اداره امنیت استانبول است که به همدستی با برخی جناح‌ها در قوه قضاییه متهم است.
دستگاه قضایی ترکیه با صدور حکم بازداشت برای برخی از مقامات ارشد و سرمایه‌داران این کشور از جمله پسران سه تن از وزرای کابینه اردوغان باعث ایجاد تنش سیاسی در این کشور شد که در پی آن چهار وزیر کابینه استعفای خود را تقدیم اردوغان کردند.
بنا بر اعلام رسانه‌های ترکیه، دستکم ۵۰ مقام دولتی و سرمایه‌دار نزدیک به حزب عدالت و توسعه در روزهای اخیر دستگیر شده‌اند و جناح حاکم نیز اقداماتی را برای مقابله با دستگاه قضایی آغاز کرده است.
اردوغان در کنفرانسی خبری پس از بازداشت این افراد گفت: همزمان با تلاش ما برای تبدیل ترکیه به یکی از ۱۰ کشور برتر جهان، برخی در تلاش‌اند تا رشد سریع ما را متوقف کنند. این افراد در خارج از ترکیه هستند و نفوذ بسیاری در داخل کشور دارند. در حال حاضر «عملیات بسیار کثیفی» در جریان است.
در عین حال اورهان اردملی، وکیل گولن در بیانیه‌ای اعلام کرد که فتح‌الله گولن در این ماجرا دست ندارد و هیچ اطلاعی درباره این تحقیقات و مقام‌هایی که آن را انجام می‌دهند، ندارد.
اختلاف‌ها میان این دو جریان قدرتمند در ترکیه از زمان ایجاد برخی موانع بر سر تاسیس مدارس خصوصی آغاز شد که یکی از منابع اصلی درآمد جناح نزدیک به فتح‌الله گولن محسوب می‌شود.
گولن که خود از سرمایه‌داران بزرگ و بانفوذ در ترکیه محسوب می‌شود و در تبعیدی خودخواسته در پنسیلوانیای آمریکا زندگی می‌کند، گر چه به شکل رسمی در مسائل مربوط به اداره کشور در ترکیه دخالت نمی‌کند، اما شخصیت بسیار پرنفوذی در این کشور محسوب می‌شود که به گفته کارشناسان مسائل ترکیه بخشی از دستگاه قضایی این کشور تحت امر این فرد اداره می‌شود.
مساله فساد مالی در ترکیه هر چه که باشد یقینا مهمترین جنبه آن بالا گرفتن تنش میان دو هم‌پیمان دیرین این کشور یعنی حزب عدالت و توسعه و جریان نزدیک به فتح‌الله گولن است که یقینا در آینده سیاسی ترکیه باعث تضعیف جناح اسلامگرا خواهد شد.

بخش هفتم و پایانی

درد سر های حقیقت

آلنکا زوپانچیچ
برگردان: صالح نجفی، علی عباس‌بیگی

به این قطعهٔ به‌غایت فصیح از کتابِ بشری، زیاده بشری توجه کنید:

در نیم‌روز ـ آن‌که بامدادِ زنده‌گی‌اش پُرجنب‌وجوش و پُرتب‌وتاب است، در نیم‌روز زنده‌گانی جانش دست‌خوشِ اشتیاقی غریب و جان‌کاه برای آرامشی می‌شود که ماه‌ها و سال‌ها بپاید. همه‌چیز در اطرافش به خاموشی می‌گراید، صداها دورتر و دورتر می‌شود، و خورشید راست بر فرقِ سرش می‌تابد... او هیچ نمی‌خواهد، نگرانِ هیچ چیز نیست؛ قلبش از حرکت می‌ایستد، فقط چشمش زنده است. این مرگی‌ست با چشم‌هایی بیدار. آن‌گاه آدمی بسی چیزها می‌بیند که بیش از آن هرگز ندیده است و تا آن‌جا که چشمش کار می‌کند، همه چیز در شبکه‌یی از نور بافته می‌شود و گویی مدفون می‌گردد. او احساسِ شادکامی می‌کند، امّا این سعادتی است سَنگین، بس سنگین. ـ آن‌گاه سرانجام باد در میانِ درختان می‌پیچد، نیم‌روز به پایان می‌رسد، زنده‌گی باز با خود او را به دورها می‌برد، زنده‌گی با چشم‌های نابینایش، و پسِ پشتش همرهانِ طوفانی‌اش ـ میل، توّهم، نسیان، تمتّع، تخریب، زوال. و چنین است که شب از راه می‌رسد پُرتب‌وتاب‌تر و پُرجنب‌وجوش‌تر از بامداد. برای انسانِ به‌راستی فعّال، این مرحله‌های دور و درازِ شناخت تقریباً غریب و بیمارگونه می‌نمایند امّا نه خالی از لذت.[۱۶]

شاید اولین چیزی که حینِ خواندنِ این قطعه به ذهن خطور کند، همانا قرابتِ میانِ نیم‌روز نیچه‌یی[۱۷] با آن چیزی باشد که بنیامینِ «لحظهٔ مسیحایی» می‌نامد و آن را همچون «دیالکتیک در حالِ سکون» تعریف می‌کند. وقفه یا سکون (قلبی که «از حرکت می‌ایستد،») یا، آن‌گونه که این وضعیت در زرتشت توصیف می‌شود، «عقربه جنبید، ساعتِ زنده‌گی‌ام نفس کشید») در واقع همانا یکی از ویژه‌گی‌های تعیین‌کنندهٔ سیمای مفهومیِ نیم‌روز است.

و امّا در موردِ فصلِ نامتقارن میان زنده‌گی و مرگ که در پرسشِ «معرفتِ حقیقی» مطرح می‌شود، می‌توانستیم نقطهٔ گذار را بدین قرار خلاصه کرد: کسری از زنده‌گی در مرگ فرو می‌رود، و همین است که زنده‌گی را به حقیقتش نابینا می‌سازد– لیکن این همان چیزی است که به زنده‌گی امکانِ شکوفا شدن می‌دهد. به بیانِ دیگر، آن کسریِ از زنده‌گی که در چنگالِ مرگ گرفتار می‌شود، صرفاً در سمتِ دیگرِ (زنده‌گی) جای ندارد؛ این کسر، نقطهٔ کورِ خودِ زنده‌گی را نیز برمی‌سازد. این نقطهٔ کور بدین‌سان چیزی نیست مگر شیوه‌یی که آن کسرِ زنده‌گی گرفتار در چنگالِ مرگ، درونِ خودِ زنده‌گی حک‌وثبت می‌شود– یا به درونِ آن بازمی‌تابد. لحظه‌هایی هستند که می‌توانیم به چیزها از منظرِ این نقطهٔ کور نظر کنیم. سیمای مفهومی این تجربه همان استعارهٔ نیم‌روز است. نیچه در تأملات و شعرهایش دربارهٔ نیم‌روز، به‌کرّات به چهرهٔ جذاب و معمایی یک انسان مرده اشاره دارد؛ انسانِ مرده‌یی که چشمانش باز است: مردی با چشم‌های بیدار. البته بی‌واسطه‌ترین اثری که این تصویر بر جای می‌گذارد، همانا اشاره‌یی است به این تجربهٔ «غریب» که وقتی به شیی نگاه می‌کنیم، ناگهان درمی‌یابیم که آن شی نیز درست به ما نگاه می‌کند، و مستقیماً به ما خیره می‌شود. آن «شیء مرده» به ما نگاه می‌کند. در برابر این شیء مرده که چشمانش زنده است، نیچه زنده‌گی با چشمانِ نابینا را قرار می‌دهد؛ اشیا، «شی‌های مرده»، به ما نگاه می‌کنند (چشمانِ آن‌ها بیدار است)؛ ما اشیا را می‌بینیم، اما نه از جایی که آن‌ها به ما نگاه می‌کنند. تقابل میان زنده‌گی و مرگ (یا به عبارتِ دیگر، میان سوژهٔ معرفت و ابژهٔ معرفت یا همان تقابلِ عالم و معلوم) به چیزی بدل می‌شود که نه یک تقابل، بلکه یک عدم تقارن یا یک عدم رابطه است. اصطلاح «شبکهٔ نور» یا تور روَشنایی (Lichtnetz) که نیچه در قطعهٔ فَوق به‌کار می‌گیرد، به هیچ‌وجه صرفاً یک استعارهٔ شیوا نیست. در واقع، کل این استعاره («تا آن‌جا که چشمش کار می‌کند، همه چیز در شبکه‌یی از نور بافته می‌شود و گویی مدفون می‌گردد.») از یک بحثِ داغِ فلسفی قرن هفده ـ هجده اخذ شده، بحثی که (در میانِ چیزهای دیگر) دقیقاً بر ناسازگاریِ نامتقارنِ میان نگاه کردن و دیدن متمرکز بود. چهرهٔ اصلیِ این بحث یک «مرد نابینای» فرضی بود که حس بینایی خود را بازیافته؛ و پرسش اصلیِ آن مباحثه این بود: بینایی محض چیست؟، یعنی بینایی جدای از تصوراتی که از حس‌های دیگر نشأت می‌گیرند، مخصوصاً از حسِ لامسه (که گمان می‌رفت که موجدِ تصوّراتِ ما از مکان، فاصله و غیره است). به زعم جورج بارکلی، تجربهٔ بصری ما هیچ‌گاه به تمامی بصری نیست، بلکه در عوض مرکب از دو مجموعهٔ متفاوت از تصورات است، که یکی از حس بینایی نشأت می‌گیرد و دیگری از حس لامسه (که حس بینایی را می‌آلاید). بدین‌سان، او از «چشمی رویت‌پذیر» و «چشمی لمس‌پذیر» صحبت می‌کند: آن‌چه من با «چشم رویت‌پذیر» می‌بینم، چیزی نیست مگر بازیِ تاریک و روشن، بازی رنگ‌ها، در نفسِ خودم و درون ذهن‌ام. اما این «چشم لمس‌پذیر» است که مرا از مکان، فاصله، شکل و حرکت آگاه می‌سازد.

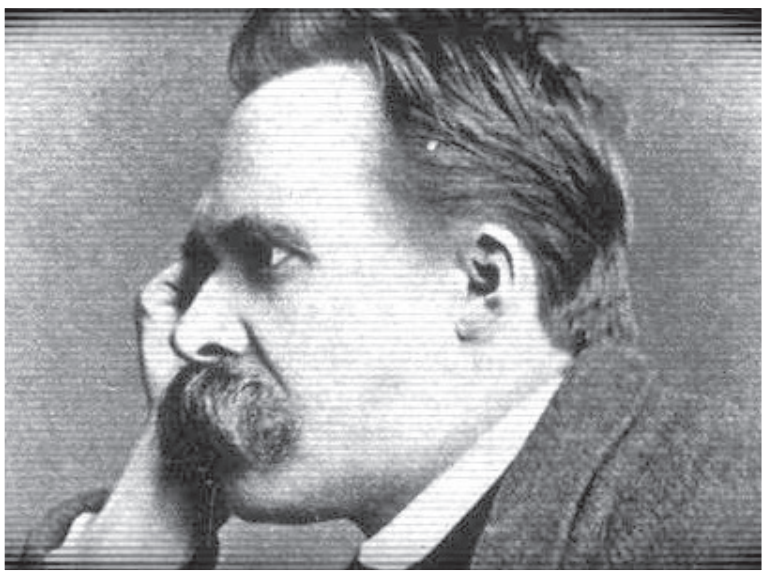

این مقاله، بخشی است از ترجمهٔ کتاب ذیل:
Alenka Zupancic, The Shortest Shadow: Nietzsche's Philosophy of the Two, MIT, ۲۰۰۲, pp. ۹۰–۱۰۵.

پانویس‌ها:

۱ـ نیچه، فراسوی نیک و بد. در ترجمهٔ فارسی، داریوش آشوری، ص ۲۹۶

۲ـ نیچه، غروبِ بت‌ها، در ترجمهٔ فارسی، داریوش آشوری، ص ۵۴

۳ـ نیچه، چنین گفت زرتشت، (ترجمهٔ فارسی، ص ۳۰). زرتشت اندکی پیشتر در همین متن انسان را چنین توصیف می‌کند: «بندی بسته میانِ حیوان و ابرانسان– بندی بر فرازِ مغاکی. فرا رفتنی پُرخطر، در راه بودنی پُرخطر، واپس‌نگریستنی پُرخطر، لرزیدن و درنگیدنی پُرخطر» (همان ص ۲۴).

۴ـ لبخند خودپسندانه‌شان با من چنین می‌گوید: "ما کرسیِ خود را در میانه می‌نهیم؛ چندان دور از جنگ‌آورانِ جان‌سپار که از خوکانِ خرسند." امّا این میان‌مایه‌گی است، هرچند اعتدال و حدِ میانه‌اش بنامند.» (همان ص ۱۸۵) همچنین بنگرید به «در کارِ بوی بردن از "جان‌های زیبا، «میان‌گین زرین یا حدّ اعتدال و دیگر کمال‌یافته‌گی‌ها در یونانیان، چه‌بسا، در عینِ ستایش بزرگیِ آرام و ذهنیتِ بی‌مانند و ساده‌دلیِ والای‌شان– آن‌چه مرا از [باور به] «این ساده‌دلیِ والا» در امان داشت، وجود روان‌شناس در من بود. چنین ساده‌دلی جز پاره‌یی از "بلاهت آلمانی" نیست». (غروبِ بت‌ها، ترجمهٔ فارسی ص ۱۶۷)

۵ـ همچنین بنگرید به: اینک آن انسان، ترجمهٔ بهروز صفدری

۶ـ نیز بنگرید به «امّا حقیقتِ من هراسناک است؛ زیرا تاکنون دروغ‌ها را حقیقت نامیده‌اند... من نخستین کسی بودم که حقیقت را کشف کرد، چون نخستین کسی بودم که دروغ‌ها را چونان دروغ تجربه کرد... جنگ‌هایی در کار خواهند بود که نظیرشان هرگز بر روی زمین وجود نداشته است. تنها با آغاز از من است که زمین سیاست‌های عظیم را می‌شناسد.» فریدریش نیچه، اینک آن انسان، ص ۲۳۲–۲۳۱ با اندکی تغییر

[۷]. John Lock, An Essay Concer ing Human Understanding (New York: Dover, ۱۹۵۹), vol. II, p. ۳۶۰

۹ـ بنابراین، الحادِ صادقانهٔ بی‌قیدوشرط (که ما تنها در آن هوا دم می‌زنیم، ما معنوی‌تر مردانِ این روزگار!)، بر خلافِ ظاهرِ آن، پادنهاد [آنتی‌تز] آن آرمان [یعنی آرمانِ زهد] نیست؛ بلکه چیزی نیست مگر یکی از واپسین مرحله‌های تطور یا تکاملِ آن، یکی از صورت‌های پایانی و پیامدهایِ درونیِ آن. نیچه، تبارشناسیِ اخلاق، ص ۲۱۱، با اندکی تغییر

۹ـ نیچه، فراسوی خیر و شر، ترجمهٔ داریوش آشوری، ص ۷۹ و نگاه کنید به نیچه استرن، ص ۱۴۰

۱۰ـ فراسوی خیر و شر، ص ۶–۷۵، با اندکی تغییر

۱۱ـ فراسوی خیر و شر، ترجمهٔ فارسی ص ۱۷۰–۱۶۹، داریوش آشوری به‌جای افیون از واژهٔ خشخاش استفاده کرده است و آن را در ازای کلمهٔ poppy آورده است

۱۲ـ نیچه، فراسوی نیک و بد، ص ۳۸، با تغییر

[۱۳]. Friedrich Nietzsche, The Gay Science.With a Prelude in Rhymes as an Appendix of Songs, trans.Walter Kaufmann (New York:Vintage Books, ۱۹۷۴), p. ۱۷۲

[۱۴]. Gérard Wajcman, L'objet du siècle (Paris:Verdier, ۱۹۹۸), p. ۱۶۶.

۱۵ـ نیچه در تبارشناسیِ اخلاق می‌نویسد: «یگانه شکلِ دیدن برای ما دیدن از یک منظر است؛ و یگانه شکلِ شناخت برای ما شناختن از یک منظر است؛ و هرچه بگذاریم عواطفِ بیشتری در بابِ یک چیز به بیان آیند، آن‌گاه یاد می‌گیریم با چشم‌های بیشتری، با چشم‌های متفاوتی، به یک چیز بنگریم، و «تصور» کامل‌تری از آن‌چیز و «عینی‌نگری» کامل‌تری خواهیم داشت.» ص ۱۵۷ با تغییر

۱۶ـ بشری، زیاده بشری، ترجمهٔ فارسی، انسانی بسیار انسانی، سعید فیروزآبادی، ص ۶۸۹تا۶۹۰، با تغییر

۱۷ـ در ترجمه‌های انگلیسی در این‌جا به‌جای واژهٔ noon از noontide استفاده می‌شود که خود از ترکیب noon به معنای ظهر و tide به معنای مد تشکیل‌شده و در مجموع دلالت دارد بر صلاتِ ظهر. م.ف

خواب زیاد هم ضرر دارد!

خواب یک نیاز فیزیولوژیک بدن است که باعث بازسازی تعادل جسمی، روحی و حفظ انرژی در شخص می‌شود. مرکز تنظیم خواب در ساقهٔ مغز قرار دارد و ما به طور متوسط در شبانه‌روز به ۷ تا ۸ ساعت خواب نیازمندیم.

تحقیقات نشان می‌دهد خواب کمتر از ۳ ساعت‌ونیم و بیشتر از ۸ ساعت‌ونیم، احتمال مرگ‌ومیر را تا ۱۵ درصد افزایش می‌دهد. بنابراین کم‌خوابی و پُرخوابی هر دو می‌توانند خطرساز باشند.

تأثیرات منفی خواب بیش از حد

خواب زیاد بیماری نیست، بلکه نشانهٔ بیماری می‌باشد. افرادی که بیش از حد می‌خوابند، نسبت به سایر افراد، بیشتر در معرض خطر ابتلا به بیماری‌هایی نظیر دیابت و چاقی قرار دارند. اما افرادی که از نظر بدنی سالم به نظر می‌رسند و از منظر پزشکی چاق به شمار نمی‌آیند، نمی‌توانند زیاد بخوابند و حتا اگر خود بخواهند نیز نمی‌توانند خواب بیش از حد داشته باشند.

بیش از حد خوابیدن، موجب اتلاف وقت شده و موجب بی‌فایده‌گی و ناتوانی در انجام مسوولیت‌های روزانه می‌شود. گاهی هنگامی که بیش از حد می‌خوابید، نسبت به خود خشمگین می‌شوید که این حالت به‌تدریج می‌تواند تأثیری منفی بر عزت نفس داشته باشد.

از کجا بدانید که به خواب اضافی نیاز ندارید؟

پس از خوابِ مفرط، احساس تجدید قوا و پُرانرژی بودن نمی‌کنید؛ برعکس، کاملاً خواب‌آلود هستید، گاهی اوقات چشم یا سرتان هم درد می‌کند، گیج هستید و حتا ممکن است نتوانید حواسِ خود را جمع کنید.

دلایل خواب بیش از حد:

ـ عادات غیر اصولی مانند: بیدار ماندن تا دیر وقت، انجام کارهای شیفتی، تغذیهٔ نامناسب و محیط پُرسروصدا

ـ به دلیل ناهنجاری‌های جسمی مانند: قطع تنفس هنگام خواب یا آپنه

ـ مشکلات روحی روانی مانند: افسرده‌گی، کمبود انگیزه یا ترس از شکست.

چه‌گونه خواب بیش از حد را متوقف کنیم؟

ابتدا باید این احساس را در خود ایجاد کنید که حتماً بر عادت خوابِ بیش از حد غلبه کنید. سپس با رعایت یک برنامهٔ منظم خوابیدن و بیدار شدن، سیستم خوابِ خود را دوباره به نظم درآورید.

چه زمانی به خواب می‌روید؟ چه زمانی بیدار می‌شوید؟... حداقل طوری برنامه‌ریزی کنید که هر روز، در یک ساعت مشخص بیدار شوید. شما باید برای خود برنامه‌یی داشته و آن را به طور دقیق اجرا کنید. انجام این کار در ابتدا مشکل است، زیرا ممکن است سیستم خواب‌تان آسیب ببیند.

باید به هرِ روشی که بتواند شما را درست سر موقع بیدار کند، متوسل شوید؛ مثلاً چند ساعت زنگ‌دار را تنظیم کرده و همه را با هم و در جاهای مختلفی که نتوانید خاموش‌شان کنید بگذارید؛ از دوستی بخواهید که به شما تلیفون کند؛ همسرتان را به کمک بطلبید و خلاصه هر کاری می‌توانید انجام دهید.

شرایط مناسب را برای داشتن خوابی خوب در شب مهیا کنید و عوامل بد (نور، سروصدا، عادت تماشای فلم در رختخواب و...) را حذف کرده یا تعدیل کنید. روشی مناسب و عملی برای بیدار شدنِ خود پیدا کرده و هر روز از آن استفاده کنید. بر روی انگیزه‌های خود و انضباط شخصی متمرکز شده و آن‌ها را تقویت کنید.

منبع: تبیان

پرفورمنس آرت و ارتباط آن با هنرهای تجسمی

حمیدرضا اسدزاده

پرفورمنس آرت چیست؟

«پرفورمنس» یعنی وادار کردن مخاطب به داوری؛ داوری اثری که خود بخشی از اجرای آن است. «پرفورمنس» یا «هنر زنده» گونه‌یی از هنرهای اجرایی است که با بهره‌گیری از هنرهای نمایشی و تجسمی و در مکان و زمان مشخصی توسط گروه یا به شکل یک‌نفره اجرا می‌شود. زمان، فضا، بدن بازیگر و ارتباط دوسویهٔ بازیگر و مخاطب، چهار عنصر سازنده و اصلی یک اجرای پرفورمنس را شامل می‌شود. در یک اجرای پرفورمنس، هنرمند مجبور به رعایت قواعد خشک و الزامات رعایت یک سبک خاص نیست.

برای اجرای یک اثر پرفورمنس، هنرمندان شاخه‌های هنرهای تجسمی و نمایشی، برای انتقال بهتر مفاهیم به مخاطبـان خود می‌توانند از دیگر هنـرها نیز بهره بگیرند. برای درک بهتر و عمیق‌تر این موضوع فرض کنید که وارد یک کارگاه نقاشی شده‌اید و نقاشی چیره‌دست در حال خلق اثری بر روی بوم نقاشی است. نقاش بنا به حال‌وهوای خود موسیقی دل‌نشینی گوش می‌دهـد، و شما تا پایان کار نقاش، در کنار او ایستاده‌اید. چه اتفاقی می‌افتـد؟!

شما در زمانی خاص و در مکانی خاص در کنار یک هنرمند نقاش، شاهد تمام مراحل خلق یک اثر بودید. شما با رنگ‌ها، ترکیب رنگ‌ها، موسیقی و حرکاتِ دست نقاش و تخیلیِ که رنگ‌ها را با قلم‌مو بر روی بوم می‌نشاند، همراه شـدید و به همراه نقاش، این اثر را خلق کردید. با تماشای کار نقاش، بیشتر با کار نقاشی آشنا شدید و با دل سپردن به موسیقی‌یی که نقاش در کارگاه خود گوش می‌کرد، پی به حالات روحیهٔ نقاش بردید و شیفتهٔ حرکت دست‌ها و سکوت نقاش تا پایان کار شـدید. و این اجسام و نشانه‌ها بودند که هم‌صحبت تخیل و افکار شما شدند. این مثالی بود برای تشریح بهتر یک اثر پرفورمنس.

با تماشای یک کار تیاتر پرفورمنس، مخاطب به جای همراهی با کلمات و ازدحام واژه‌ها، تنها به نور، موسیقی و بازی بدنی بازیگر چشم می‌دوزد و اگر هنرمند خالق اثر در پیچیده‌گی تخیل خود گم نشده باشد و اثری ساده اما بامفهوم ارایه دهـد، کمتر قربانی سلیقه‌ها خواهد شـد. چرا که پرفورمنس فراتر از کلام پا نهاده است و راهی است برای توجیه بهتر مخاطبان. برخی از کارشناسان هنری، هنر پرفورمنس را اجرای مدرنِ هنرهای تجسمی عنوان می‌کنند. در این گونهٔ هنری، انتقال پیام در صدر خواستهٔ هنری هنرمند قرار دارد و به همین دلیل برای رساندن مفهوم به مخاطب، از تمامی امکانات از جمله شیوه‌های کلامی، حرکات آکروباتیک، اجرای موسیقی زنده یا پخش موسیقی، هنر مجسمه‌سازی، نقاشی و هر آن‌چه بتواند وی را در این امر یاری کند، استفاده می‌نماید. تنوع تکنیک‌های مورد استفاده در اجرای پرفورمنس، سبب شده است تا آن را زیرمجموعهٔ هنرکا نسبت نیز بنامند.

اما باید توجه کرد که پایه‌گذاران پرفورمنس در یک معنای کلی، به دنبال عنصر «اتفاق» در یک اثر هنری بودند؛ چیزی که بدون پیش‌بینی و در مقابل چشم مخاطب اتفاق می‌افتد. پس از این حیث می‌توان گفت که پرفورمنس یک هنرکا نسبت صرف نیست. اما اتفاقی که ماهیت پرفورمنس را قوام می‌دهـد، رویکرد جالب دو هنرمند در سال ۱۹۷۰ به نام‌های «کیلبرت» و «جورج» است. آن‌ها به بدن خود به عنوان یک ابزار برای رسیدن به یک اثر هنری نگاه می‌کردند و اولین کسانی بودند که مدل مجسمه‌های زنده را ابداع نمودند. آن‌ها نمایشگاه را تنها با انجام حرکات فُرم و بدون هیچ مجسمه‌یی برگزار کردند و از نمایشگاه آن دو استقبال شـد. شیوهٔ اجرای این دو هنرمند، بهترین مثال برای نام‌گذاری پرفورمنس آرت به «هنر زنده» است.

در غرب، هنرمندان مکتب «دادائیسـم» روش‌های مختلفی را با ترکیب هنرهای تجسمی و نمایشی برای انتقال مفاهیم و ابداع روشی جدید بنیان گذاشتند. همه‌گیر شدن این شیوه‌های اجرایی در تمام جهان باعث شده است تا اصطلاح ظهور (رنسانس) جدید بر سر زبان‌ها بیفتد. «رسلی گلدبرگ» در کتاب «پرفورمنس آرت: از جنس فوتوریسم تا حال» دربارهٔ این شیوه اجرایی نوشته است: «هنر پرفورمنس راهی است که می‌توان از طریق آن با گروه وسیعی از مردم ارتباط برقرار کرد و آن‌ها را به معاشرت دوباره با فرهنگ و هنر واداشت. پرفورمنس هر آن‌چه برای جلب مخاطب لازم است را در کیسهٔ خود دارد و این به خلاقیت هنرمند بازمی‌گردد که برای همراه نمودن مخاطبش چه ابزاری را از کیسه‌اش خارج سازد. فضا در یک اجرای پرفورمنس محدودیتی ندارد. در گوشهٔ یک رستورانت، کنار خیابان، زیر درختان پارک یا یک گالری هنری: تنها نکتهٔ مهم در این اجرا حضور مخاطب است.

لذا پرفورمنس می‌تواند هر آن‌جایی که چشمان جست‌وجوگر مخاطبی انتظارش را می‌کشد، متولد شـود.»

گروهی به‌اشتباه پرفورمنس را در تیاتر خلاصه می‌کنند، و تصور می‌کنند پرفورمنس تنها به واسطهٔ تیاتر اجرا می‌شود. باید در نظر داشت که پرفورمنس از تیاتر گرفته شده است، اما به صورت بنیادی، متصل به تیاتر نیست. در واقع پرفورمنس آرت در ابتدا در دنیای نقاشی و مجسمه‌سازی زاده و بعد وارد تیـاتر شده است. املیا جونر می‌گوید: «با دی آرت و پرفورمنس چون از بنیاد رویکردی براندازانه نسبت به فرضیات مدرنیسـم که معانی ثابت را از طریق ساختار یک کار مجزا مشخص می‌کردند داشته‌اند، به عنوان تشکیل دهنده‌گان پست مدرنیسم تعریف شده‌اند.»

در رابطه با شکل اجرایی پرفورمنس در تیاتر باید گفت، عده‌یی که هنوز قواعد نمایشی را در قالب سکب‌های کلاسیک نمی‌دانند یا اصلاً از سبک‌شناسی سررشته‌یی ندارند و به صرف تجربه به سمت اجرای پرفورمنس نمایش‌های تیاتر می‌روند، ندانسته و بدون هیچ اشرافی به تعریف نشانه‌ها در تیاتر مخاطب را گیج سرخورده و بیزار از سالون‌های تیـاتر خارج می‌کنند؛ مخاطبی که عادت به شنیدن دیالوگ دارد، ناگهان با نمایشی روبه‌رو می‌شود که صرفاً بنا به سلیقهٔ کارگردان به وجود آمده و هیچ اثری از عناصر چهارگانهٔ «زمان، فضا، بدن بازیگر و ارتباط دوسویهٔ بازیگر و مخاطب» در آن تعریف نشده است و کمتر مشاهده می‌شود که مخاطبین از این اجراها راضی باشند و یا تأثیر بگیرند. و در پاسخ کارگردانان شنیده می‌شود که معتقدیم «نباید هنر خود را قربانی سلیقهٔ توده کنیم». بله شاید تا جایی حق با این عزیزان باشد، اما باید این مسأله را در نظر گرفت که: ۱ـ هیچ خبری از عناصر چهارگانه در آثار این هنرمندان نیست؛ ۲ـ مخاطب پارسی‌زبان میراث‌دار نمایش‌هایی است که تا حدودی نزدیک به عناصر سازندهٔ پرفورمنس هستند؛ مانند تعزیه- نقالی- پرده‌خوانی- رجزخوانی- سیاه‌بازی- نمایش عروسکی- نمایش‌های شادی‌آور (تخت حوضی، کچلک‌بازی و...). پس سلیقهٔ این مردم به این سبک و روش نزدیک‌تر است اگر ارتباط بین پرفورمنس آرت و نمایش‌های سنتی پارسی را با هم مقایسه کنیم، به نکات جالبی دست پیدا می‌کنیم: موسیقی یکی از ارکان اصلی نمایش‌های پارسی است. در شمایل‌گردانی از هنر نقاشی کمک گرفته می‌شود. نمایش‌های سنتی فارسی، بیشتر بدون متن هستند و به صورت فی‌البداهه اجرا می‌شوند.

بازیگران نمایش‌های فارسی، هیچ‌گاه اندیشه‌یی را به مخاطبان تحمیل نمی‌کنند. و از همه مهم‌تر این‌که بازیگران نمایش‌های فارسی در طول نمایش، ارتباط نزدیکی با تماشاچی دارند. نباید گفت اجرای پرفورمنس‌آرت در نزد فارسی‌زبانان غیرممکن است. بلکه باید با دقت بیشتر در انتخاب روش و شکل اجرا تصمیم گرفت و پیش رفت. مدت‌هاست در تیاتر ایران سبک‌گرایی و گرایش صرف به هنرمندان غربی فراگیر شده است و کارگردانان تیاتر در این کشور فضا را با نگرش کاملاً غربی به مخاطبان ارایه می‌دهنـد. و در نظر نمی‌گیرند که کارگردان باید در مورتور آنالیزگر خود پرورش دهد و ملاک‌ها و نشانه‌های فرهنگی خود را چه در متن اثر و چه در طراحی صحنه، آهنگ‌سازی، نورپردازی و نحوهٔ بازی بازیگران انتقال دهد. اما مدت‌هاست که کارگردانان فارسی‌زبان خود را درگیر گرایش‌های کاملا غیربومی می‌کنند و در مواجهه با مخاطبی که از تیاتر مفهوم و فرهنگ از یاد رفتهٔ خود را خواستار است، تنها سکوت می‌کنند و خود را جدای از جمعیت مخاطبان می‌دانند.

باید در نظر داشت دلیل بقای تیاتر، همان مخاطبان ثابت تیاتر هستند که در هر شرایطی، تماشای تیاتر را به هر چیزی ترجیح می‌دهند. پس اگر این مخاطبان از تیاتر فاصله بگیرند، مشکل از نمایش‌هاست نه چیز دیگری. تاختن به کارگردانانی که سالون‌های اصلی را در دست دارند، زمانی واجب می‌شود که در سالون‌های بدون امکانات و کوچک، نمایش‌های به مراتب بهتری از سالون‌های اصلی تیاتر انجام می‌شود و کارگردانان به‌نامی هستند که برای پوشاندن معایب خود، رو به اجرای مثلاً پرفورمنس می‌آورند و نه‌تنها تأثیـری در شرایط جلب مخاطبان و آموزش بازیگران و دانشجویان رشته‌های نمایشی ندارند، بلکه دانشجویان و مخاطبان را سردرگم می‌کنند.

و اجراهای سلیقه‌یی مانند سمی تأثیر منفی بر روی هنرجویان تیـاتر می‌گذارد. بهتر است برای رسیدن به یک نمایش ناب و پیدا کردن مسیری تازه در جهت اجرا و دور شدن از قواعد تکراری نمایش، با آنالیز کردن سبک‌ها و روش‌های مختلف نمایشی پارسی و نگاهی به پیشینهٔ تیاتر و استفاده از فُرم‌های نمایش‌های سنتی پارسی، مخاطبان تیاتر را به سمت گرایش‌های فرهنگی و بومی بکشیم. این دقیقاً همان چیزی است که معرف تیاترِ فارسی در جهان به عنوان تیـاتری مستقل و کاملاً بومی خواهد بود و مخاطبان تیاتر را دوباره به سالون‌ها خواهد کشید.

پایه‌گذاران پرفورمنس در یک معنای کلی، به دنبال عنصر «اتفاق» در یک اثر هنری بودند؛ چیزی که بدون پیش‌بینی و در مقابل چشم مخاطب اتفاق می‌افتد. پس از این حیث می‌توان گفت که پرفورمنس یک هنرکا نسبت صرف نیست. اما اتفاقی که ماهیت پرفورمنس را قوام می‌دهـد، رویکرد جالب دو هنرمند در سال ۱۹۷۰ به نام‌های «کیلبرت» و «جورج» است. آن‌ها به بدن خود به عنوان یک ابزار برای رسیدن به یک اثر هنری نگاه می‌کردند و اولین کسانی بودند که مدل مجسمه‌های زنده را ابداع نمودند. آن‌ها نمایشگاه را تنها با انجام حرکات فُرم و بدون هیچ مجسمه‌یی برگزار کردند و از نمایشگاه آن دو استقبال شـد. شیوهٔ اجرای این دو هنرمند، بهترین مثال برای نام‌گذاری پرفورمنس آرت به «هنر زنده» است

رییس‌جمهور کرزی:

شیرینی را به امریکایی‌ها دادیم

عضویت غیر دایم افغانستان در شورای امنیت از اهمیت زیادی برخوردار نیست؛ امریکایی‌ها از افغانستان رفتنی نیستند؛ هنوز تعریف تجاوز و ترویزم از جانب امریکایی‌ها مشخص نشده است.
رییس‌جمهور کرزی این سخنان را دیروز در نشست چهار ساعته‌یی که با مسوولان رسانه‌ها داشت، مطرح کرد.
آقای کرزی گفت که کرسی یک سالهٔ شورای امنیت سازمان ملل که قرار بود در سال دوهزار و بیست‌ویک به افغانستان داده شود از اهمیت زیادی برای افغانستان برخوردار نبود و به همین منظور، این امتیاز را به پاس دوستی‌ها و همکاری‌های کشور هند به آن کشور واگذار شدیم.
رییس‌جمهور کرزی در پاسخ به سؤال مدیر مسوول روزنامهٔ ماندگار که خواستار وضاحت او در خصوص واگذاری عضویت افغانستان در شورای امنیت سازمان ملل متحد به هند شد، گفت که افغانستان از آن توانایی‌ها و ابزار لازم برخور دار نبود که بتواند از کرسی یک سالهٔ شورای امنیت به نفع افغانستان و هند استفاده کند؛ از این‌رو، هندی‌ها از ما خواستند تا به دلیل توانایی و ابزارهایی که در دست دارند، این کرسی به آن‌ها واگذار شود و ما خیر افغانستان را در این دیدیم که در بدل همکار ی‌های هند به افغانستان این کرسی را به آن کشور واگذار کنیم. آقای کرزی در مورد این سوال که آیا با این اقدام پاکستان برافروخته نمی‌شود، گفت که دوستی هند برای ما بسیار زیاد مهم است. او تصریح کرد که افغانستان هنوز این فرصت را دارد که خودش را برای دور دیگر این امتیاز آماده کند.
در این نشست آقای کرزی به سوالات و برداشت‌های نماینده‌گان رسانه‌ها می‌پرداخت و بر زوایای مبهم امضای سند امنیتی با امریکا توضیحات می‌داد.
کرزی تلاش کرد تا در این نشست نماینده‌گان رسانه‌ها را متقاعد کند که شرط‌های او برای امضای سند امنیتی از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند.
نمانیده‌گان رسانه‌ها نیز از زاویه‌های مختلف بر این موضوع وارد شدند و حامد کرزی دیدگاه‌ها وبر داشت‌هایش را به‌گونهٔ صریح مطرح کرد. قسمت‌هایی از سخنان رییس‌جمهور به گونه «آف دِ ریکارد» مطرح شد و برخی از صحبت‌ها جنبهٔ عَلنی داشت.
کرزی گفت که هنوز تعریف امریکا از تجاوز به افغانستان روشن نشده و نیز تعریفی از تروریزم ارایه نشده است. حامد کرزی گفت که امریکایی‌ها می‌گویند که تروریست کسی است که به منافع امریکا صدمه می‌زند و از جمله به سفارت‌های امریکا حمله می‌کند. به گفته کرزی، امریکایی‌ها کسانی را که در افغانستان مکتب‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند یا برجایی حمله انتحاری انجام میدهند، تروریست نمی داند.
او گفت که امریکایی‌ها می‌گویند که بعد از دوهزار چهارده با طالبان نمی‌جنگند. به باور کرزی، این وضعیت نگرانی‌هایی را به وجود آورده و سبب شده است که آغاز رسمی پروسه صلح با طالبان و نیز قطع ورود سربازان امریکایی در خانه‌ها از جمله اصلی ترین شرط‌های افغانستان باشد. حامد کرزی گفت که امضای سند امنیتی با امریکا به این هدف صورت نمی‌گیرد که به افغانستان پول بیاید یا ارتش افغانستان تجهیز شود. او گفت که مهم برای افغانستان این است که از شرِ برخی حرکت‌ها در امان باشد.
حامد کرزی گفت که اگر پایگاه نظامی امریکایی‌ها در افغانستان وجود داشته باشد و امریکا در جنک با طالبان هم کاری نداشته باشد، افغانستان وارد یک بحران جدید می‌شود. کرزی نقشه بازشدن دفتر برای طالبان در قطر را نیز مخرب خواند و گفت که افغانستان نمی‌تواند در یک جغرافیا دو حکومت را همزمان داشته باشد. حامدکرزی خاطر نشان ساخت که باید ضمانت‌هایی از امریکایی‌ها گرفته شود که با امضای سند امنیتی پروسهٔ صلح در افغانستان آغاز می‌شود. او همچنان تصریح کرد در صورتی که امریکایی‌ها طالبان را تروریست نمی‌دانند به کدام خاطر وارد خانه‌های مردم می‌شوند.
کرزی این را هم گفت که امضای سند امنیتی برای افغانستان از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ اما به شرطی که شرط‌های افغانستان به گونهٔ جدی مورد قبول طرف امریکایی واقع شود. او گفت که حالا سفیر امریکا گفته است که فشارهایی را بر پاکستان وارد می‌کنیم که در روند صلح در افغانستان تلاش کند. کرزی گفت که اگر امریکایی‌ها بخواهند و پاکستانی‌ها بخواهند صلح در افغانستان حاکم می‌شود.
کرزی گفت نمی‌خواهم کلوخ مانده از آب بگذرم؛ می‌خواهم تهداب را در بخش امضای سند امنیتی با امریکا محکم بگذارم. حامد کرزی گفت که مطبوعات غرب تبلیغات به راه انداخته اند که اگر امریکایی‌ها از افغانستان خارج شوند، این کشور وارد جنگ داخلی می‌شود. حامد کرزی گفت که در تاریخ افغانستان جنگ داخلی وجود نداشته و جنگ‌های تنظیمی و جنگ طالبان به عنوان جنگ داخلی نباید شناخته شود. آقای کرزی گفت که جنگ‌های تنظیمی توسط خارجی‌ها به راه انداخته شده بود و برخی جریان‌ها به عنوان آلهٔ دست آنان قرار گرفتند. کرزی در قسمت‌هایی از سخنانش گفت که هیچ اعتمادی بالای امریکایی‌ها وجود ندارد و اگر فردا بگوید که ما می‌رویم و همین معاش شما را هم داده نمی‌توانیم در آن صورت چه کاری می‌کنید. کرزی اضافه کرد که از خدا می‌خواهیم که پول امریکایی‌ها از افغانستان قطع شود تا این ملت خود به تلاش و تکاپو بیافتد. او تجربهٔ کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان را به عنوان مسال مطرح کرد که بعد از آزادشدن از چنگال شوروی و پایان یافتن جنگ‌های داخلی توانستند که روی پای خود بایستند. هیچ کشوری نمی‌تواند روی پول کشور دیگری ساخته شود.
آقای کرزی در بخشی از قسمت‌ها این را هم گفت که امریکایی‌ها از افغانستان رفتنی نیستند و بر بنیاد برنامه‌های کلانی که دارند، در این‌جا می مانند و باید دولت افغانستان سنجیده شده عمل کند. رییس‌جمهور به تاکید گفت که امضای سند امنیتی با امریکا و ادامهٔ بحران در این کشور، به نفع افغانستان نیست. سخنان آقای کرزی که بسیار خودمانی بود با اشاره‌ها و ایماهای زیادی همراه بود و نیز بخش‌های از سخنان او با خنده‌های بلند مهمانان مواجه می‌شد.
او در بخشی از سخنانش گفت که شیرینی را به امریکا دادیم، اما نکاح را پسان می‌کنیم. اما بعد تر این‌گونه تصریح کرد که شیرینی را از امریکایی‌ها گرفتیم، نکاح را پسان می‌کنیم.
حامد کرزی در بخش غیر رسمی این نشست از نشرات تلویزیون ژوندون به شدت اعتراض کرد و آن را زهرآگین خواند. کرزی گفت که در راه‌اندازی این تلویزیون بسیار کمک کرده است.

چرا شانس تاریخی را...

صورت نمی‌کند».
داکتر سجادی افزود: «حکومت همواره نماینده‌گان ملت را در حایشه قرار داده و این اقدام حکومت هم یکی از همین موارد می‌تواند باشد».
وی افزود: «عضویت غیر دایم افغانستان در شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانست جایگاه و موقعیت جهانی افغانستان را تقویت ببخشد و افغانستان را در محراق توجه سیاست‌های جهانی و بین‌المللی قرار دهد».
این عضو مجلس تأکید کرد، عضویت غیر دایم در این سازمان، افغانستان را در گسترش روابط دیپلوماتیک با سایر کشورها و برخورداری روابط دیپلوماتیک جهت تامین منافع ملی کمک و همکاری می‌کند.
در همین حال، بانو شیکبا هاشمی عضو کمیسیون امنیت داخلی مجلس نماینده‌گان می‌گوید: «در این خصوص هیچگاه حامد کرزی با کمیسیون امنیتی داخلی مجلس نماینده‌گان مشورت نکرده است».
او افزود: «با کمیسیون امنیت داخلی مجلس نماینده‌گان که خودم عضو آن استم، هیچگونه تماسی نه از جانب وزارت دولت در امور پارلمانی و نه از طرف ریاست‌جمهوری در خصوص سپردن امتیاز عضویت افغانستان در شورای امنیت سازمان ملل به هندوستان، گرفته نشده است».
بانو هاشمی تأکید کرد، ما در این خصوص فردا (امروز) واکنش خود را از طریق رسانه‌ها و به خصوص تلویزیون ملی که حامد کرزی بیننده آن است، اعلام خواهیم کرد.
همچنان، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان ضمن اظهار بی‌خبری از این موضوع می‌گوید: « افغانستان به هر اندازه‌یی که عضویت سازمان‌های بین‌المللی را کسب می‌کند، به همان اندازه هویت سیاسی‌اش تقویت می‌شود».
رییس جامعه مدنی گفت: «زمانیکه افغانستان عضو غیر دایم شورای امنیت سازمان ملل می‌شد وخود مشکلات و مسایل امنیتی خود را به طور مستقیم مطرح می‌کرد، یقیناً که تاثیرات بسیار موثری می‌داشت و می‌توانست برای افغانستان بسیار مفید باشد».
به باور او، عضویت افغانستان در چنین سازمان‌های می‌تواند افغانستان را به یک کشور شناخته شده و قدرتمند مبدل سازد؛ بنابراین بخشیدن چنین امتیازی‌های به کشورهای دیگر نشانگر این است که ما حتا از ابتدایی‌ترین فرصت‌ها نمی‌توانیم استفاده کنیم.
وی افزود، افغانستان در شرایط فعلی بیشتر به شریک‌های جهانی نیازمند است تا شرک‌های منطقه‌یی؛ و عضویت در این سازمان، می‌توانست افغانستان را به شریک‌های جهانی نزدیک‌تر سازد؛ بنابراین حکومت افغانستان باید برای بخشیدن چنین امتیازی به کشور دیگری، دلیل بسیار محکمی برای مردم افغانستان ارایه کند.
با این حال، محمود صیقل آگاه مسایل بین‌الملل می‌گوید:« هند دوست بسیار خوب افغانستان است؛ اما درخصوص عضویت غَیر دایم در شورای امنیت سازمان ملل باید حکومت افغانستان به مردم توضیح دهد که چه امتیازی گرفته که در بدل آن چنین امتیاز بزرگی را به هندوستان بخشیده است».
به باور صیقل، منافع بزرگ و درازمدت افغانستان در این عضویت نهفته؛ اما معلوم نیست که حکومت افغانستان روی کدام عوامل منافع درازمدت افغانستان را قربانی منافع کوتاه مدت کرده است.
وی تاکید کرد، اگر هندوستان وعده کرده باشد که در بدل چنین امتیازی نیروهای امنیتی افغانستان را آموزش می‌دهد، باید گفت که چنین امتیازی ارزش آن چنانی ندارد و اما حتا اگر هندوستان وعده کرده باشد که به جای امریکا مصارف کل نیروهای امنیتی افغانستان را می‌پردازد با توجه به حساسیت‌های پاکستان، این مساله هم قابل ملاحظه و بررسی است.
این آگاه روابط بین‌الملل در خصوص اهمیت عضویت نیمه دایم در این سازمان گفت :« افغانستان در طول مدتی که عضو سازمان ملل متحد بوده، هیچگاه عضو غیر دایم شورای امنیت سازمان ملل نشده است».
او تاکید کرد: «حتا با آنکه در سال ۱۹٦٦ آقای پژواک به نماینده‌گی از افغانستان ریاست مجمع عمومی سازمان ملل را بر عهده داشت؛ اما هیچگاه عضویت غیر دایم شورای امنیت را کسب کرده نتوانست».
وی افزود: « مسایل مهم و اساسی منطقهٔ ما ثبات و امنیت است که وظیفهٔ شورای امنیت سازمان ملل متحد هم امنیت و ثبات جهان می‌باشد و صلح و امنیت افغانستان در سال‌های پیش روی به شدت با صلح و امنیت منطقه ارتباط خواهد داشت و شورای امنیت تصامیم مهمی را در خصوص صلح و امنیت افغانستان اتخاذ خواهد کرد؛ بنابراین عضویت نمیه دایم افغانستان در این شورای می‌توانست بسیار موثر باشد».
صیقل تاکید کرد: «در ۲۰۱٤ زمانیکه نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند، بیم آن می‌رود که افغانستان از محراق توجه جهان دور شود و امکان دارد که به طرف یک انزوای سیاسی برود؛ اما عضویت نیمه دایم در این شورا می‌توانست افغانستان را یکبار دیگر در محراق توجه جهان قرار دهد.
اما داوود مرادیان کارشناس روابط بین‌الملل ضمن اینکه دادن امتیاز عضویت نیمه دایم در شورای امنیت ملل متحد به هندوستان را حسن نیت حکومت افغانستان می‌داند، می‌گوید: هندوستان جدی‌ترین دوست استراتیژیک ما در منطقه است؛ بنابراین لازم است که روابط خود را با این کشور بیشتر تحکیم بخشیم.
او گفت: «چنین بده و بستان‌ها در روابط دیپلوماسی بین‌المللی رایج است و کشورها در بعضی موارد امتیازاتی را محول می‌کنند و در بعضی جاها هم امتیازاتی را دریافت می‌کنند».
به گفتهٔ مرادیان، عضویت به صورت غیر دایم در شورای امنیت سازمان ملل متحد بیشتر نمادین و سمبولیک است؛ زیرا تصامیم مهم این شورا توسط پنج عضو دایم آن گرفته می‌شود.
مرادیان گفت: «دست‌آوردهای ناشی از عضویت نیمه دایم در این سازمان هم بیشتر نمادین خواهد بود، زیرا تصامیم مهم شورای امنیت سازمان ملل ارتباطی به اعضای غیر دایم ندارد».
شورای امنیت سازمان ملل متحد یکی از ارگان‌های سازمان ملل متحد است که وظیفهٔ پاسداری از امنیت و صلح بین‌الملل را بر عهده دارد و براساس منشور سازمان ملل متحد، حیطه قدرت شورای امنیت شامل اعزام نیروهای پاسدار صلح، تصویب تحریم‌های بین‌المللی و اعطای اجازه استفاده از نیروهای نظامی علیه کشورهای متخاصم است.
شورای امنیت سازمان ملل متحد چهارده عضو دارد که پنج عضو آن دایمی و نه عضو آن برای دو سال به طور انتخابی عضویت را کسب می‌کنند.

ناجیه نوری

حضور نیروهای ما در...

که در آستانه سال نو میلادی به منظور دیدار با نیروهای نظامی این کشور در افغانستان به سر می‌برد، در دیدار با این نیروها گفته است، باید نتایج بدست آمده از سال ۲۰۰۲میلادی تا به امروز در ولایت هرات، موجب مباهات شما باشد. چرا که این منطقه به یکی از مناطق مهمی برای گام برداشتن در مسیر بازسازی تبدیل شده است.
رییس مجلس سنای ایتالیا روز گذشته با رییس‌جمهور کرزی نیز دیدار کرد.
در همین زمینه، گراسو در پاسخ به سوال گزارشگر شبکه مبنی بر چگونگی شرایط نیروهای نظامی ایتالیایی مستقر در افغانستان، گفت: نیروهای ایتالیایی حاضر در افغانستان به طور واقعی شجاع، متعهد، فداکار و اخلاق مدارهستند. این موضوع به علت شناختی است که از مردم دارند. نیروهای نظامی ایتالیایی حاضر در افغانستان، به ویژه حاضر در هرات، علاوه بر پشتیبانی از این منطقه، همکاری‌هایی نیز (با مردم) دارند. بنابراین، ما در اینجا شاهد یک شیوه ترکیبی نظامی و همکاری هستیم. بنابراین، مردم افغانستان شاهد نتایج ملموسی از حضور نیروهای نظامی ایتالیایی در افغانستان هستند.
به عنوان مثال: (ساخت) مدارس، بیمارستان‌ها و سیستم قضایی، که حتی بر اساس ساختارهای اروپایی شروع به فعالیت کرده است. در مجموع، ما در اینجا شاهد یک سری از واقعیت‌هایی هستیم که موجب بازگشت زندگی عادی روزانه شده اند.
گزارشگر شبکه از رییس مجلس سنای ایتالیا سوال کرد: آقای رییس، تا چند ماه آینده ماموریت نیروهای حافظ صلح، نیروهای ائتلاف در افغانستان پایان خواهد یافت. شما چند لحظه پیش در دیدار با نیروهای ایتالیایی حاضر در افغانستان نیز به این موضوع اشاره کرده اید. به نظر شما وظیفه کشور ما درباره این موضوع چه چیزی باید باشد؟
گراسو در پاسخ به این سوال گفت: من فکر می‌کنم با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان نیز، این کشور در مسیر مردم سالاری پیش رود. افغانستان باید قادر به قدم برداشتن با گام‌های خویش باشد. بنابراین، من فکر می‌کنم بیش از پیش باید حضور نظامی امان در افغانستان تغییر پیدا کند. حضور نظامی ما به طور یقین ادامه خواهد یافت، اما این حضور نظامی، بیشتر در غالب همکاری‌های توسعه‌یی خواهد بود. از قبل خطوطی برای این همکاری ترسیم شده اند و باید به منظور جلوگیری از تباه شدن فداکاری هایی که انجام شده اند، این خطوط تا آخر ادامه داشته باشد تا این کشور در مسیر شناخت حقوق بشر و حقوق زنان قرار گیرد.

حامد کرزی توافقنامهٔ امنیتی...

«اینکه یک چارچوب حقوقی ایمن وجود داشته باشد اهمیت زیادی دارد. لذا ما امیدواریم که کرزی توافق دوجانبه میان امریکا و افغانستان را امضا کند. ماموریت ایساف در حال پایان یافتن است ولی دستاوردهای زیادی به دست آمده است که ما خواهان حفظ آنها هستیم.»
کرزی که قرار است پس از انتخابات ماه اپریل سال آینده از قدرت کناره‌گیری کند ماه هاست بر سر امضای این قرارداد با امریکا دچار تنش شده است.
ماموریت نیروهای نظامی ناتو در افغانستان که در سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز شد قرار است در سال ۲۰۱٤ میلادی پس از ۱۳ سال پایان یابد.
وزیر دفاع آلمان در مزارشریف گفت که او مشتاق است «تا آلمان آنچه را که در افغانستان آغاز کرده، تکمیل کند».
او همچنان افزود: «دستاوردهای زیادی در اینجا (افغانستان) حاصل شده‌اند، و ما می‌خواهیم آن‌ها را حفظ کنیم».
این دومین سفر یک وزیر دفاع آلمان به افغانستان در ده روز گذشته است. هفته پیش، توماس دیمیزیر وزیر دفاع سابق آلمان به این کشور سفر کرده بود.
مزارشریف آخرین کمپ نیروهای آلمانی در افغانستان است که در آن بیش از ۳۸۰۰ سرباز آلمانی حضور دارند. در شرایط خاص شمار این نیروها تا ۵۳۵۰ تن رسیده است.
به گزارش خبرگزاری فرانسه از مزار شریف، حدود سه هزار نظامی آلمانی در مناطق نسبتا امن شمال افغانستان مستقر هستند.
خانم فون دیر لاین، ۵۵ ساله و اولین وزیر دفاع زن در آلمان است. او پیش از کسب این مقام، وزیر کار بود.

نگرانی جدی شورای...

و وزرای دفاع ملی و امور داخله گفته‌اند که تلفات نیروهای امنیتی کشور کاهش یافته است.
همچنان وزیر دفاع ملی شایعاتی مبنی بر انفاذ آتش‌بس با طالبان در ولسوالی سنگین ولایت هلمند را تکذیب کرد و آن را سوء تفاهم خواند.
در جلسهٔ شورای امنیت فیصله گردیده که وزارت امور داخله اعتبار از تاریخ اول دلو سال جاری با استفاده از تمام وسایل و امکانات دست داشته، امنیت فزیکی تمام کاندیدان ریاست‌جمهوری و معاونین شان را به طور یکسان تأمین نماید.

سومین نشست مشورتی آجندای ملی-پنجشیر

گفت‌و گوهای اشتراک‌کننده‌گان

بخش هفتم

یادداشت: سومین نشست مشورتی طرح اجندای ملی، اخیراً با حضور نخبه‌گان سیاسی، فرهنگیان، استادان‌و دانشجویان در ولایت پنجشیر برگزار گردید.

در این نشست، اشتراک‌کننده‌گان پیشنهادهاو دیدگاه‌های‌شان را در خصوص طرح اجندای ملی ارایه کردند و هم‌چنان حمایت‌شان را از این طرح ابراز داشتند.

طرح اجندای ملی از سوی احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود ارایه شده است.

در این طرح ضمن ارایهٔ طرح خروج از بن‌بست کنونی، در خصوص تأمین صلحِ پایدار در افغانستان نیز راه‌کارهایی ارایه شده است.

طرح اجندای، با استقبال نهادهای خارجی از جمله سازمان‌ملل متحد و نهادهای داخلی کشور روبروشدهاست.

پس از این، گفت‌وگوهای سومین نشست مشورتی طرح اجندای ملی را که در ولایت پنجشیر برگزار شده بود، به‌ترتیب در روزنامه به نشر می‌سپاریم.

واثق- سخنگوی مقام ولایت پنجشیر:

با مولانا آغاز می‌کنم که می‌گوید:
ای برادر تو همان اندیشه‌یی
ما بقیِ تو خود استخوان و ریشه‌یی
گر گلُ است اندیشهٔ توهم گلشنی
ور بود خاری تو هم گلخنی

شهید احمدشاه مسعود بزرگ:

اگر ملتی تصمیم بگیرد؛ دنیا علیه آن ملت کاری انجام داده نمی‌تواند؛ مهم ملت شدن و ملت‌سازی است و این ملت شدن میکانیزم، تیوری و علم جداگانه نیاز دارد؛ این بحث را به بعد واگذار می‌شوم.

من روی شگاف‌ها می‌خواهم صحبت کنم؛ ما در جامعهٔ خود یکی شگاف‌های رسانه‌یی و دوم هم شگاف فکری رهبری داریم؛ شگاف رسانه‌یی به این معنی که ما در افغانستان رسانه‌های زیادی را داریم اما از لحاظ توازن و بی‌طرفی در رسانه‌ها مدنظر گرفته نمی‌شود؛ آیا ما شهروندان کابل، مزار، هرات را با شهروندان جوزجان، بدخشان و پنجشیر کرده می‌توانیم که هرگز نه؛ فوکو یک نظریه دارد که می‌گوید: مکالمه میان دوی مطلق برقرار نمی‌شود.

ما اگر بخواهیم که مردم خود را بیشتر بشناسند باید اطلاعات را در حد برداشت و توان‌شان پیشکش کنیم تا مردم خود به خود آگاهی برسند.

مورد دوم که شگاف فکری رهبری است؛ ما دو نوع رهبر داریم یکی این‌که سرعت عمل در عواطف دارند، یک نقل از کندی می‌کنم که در انتخابات ۱۹۷۰یا۱۹۸۰یک مورد در قبال به خانمش در یک روزنامه مطرح شد که خود کندی در روزنامه حضور پیدا کرد و عکس العمل جدی و عاطفی از خود نشان داد که این مورد سبب شد تا اکثریت مردم به تیم کندی رأی ندهند؛ این موارد را ما در حکومت‌داری‌های افغانستان داشتیم بویژه در جریان دوازده سال گذشته.

مورد دوم هم این‌ست که ما عملیه و نتیجه معکوس در رهبری داریم که یک نقل از زنده‌گی صدام حسین می‌کنم که او گروگان‌هایی که نزد او بود را زمانی مقابل دوربین رسانه‌ها آورد و از معیشت آن‌ها پرسید تا چهرهٔ خوب از خود تبارز دهد که نتیجه معکوس شد و آن‌چه را که صدام می‌خواست به دست نیامد.

احمدولی مسعود:

در ابتدا می‌خواهم در ارتباط به رهبر، بزرگ و زعیم صحبت کنم؛ ما زمانی یک رهبر کلان داشتیم؛ او آن‌قدر اعتماد ساخته بود که مردم بدون این‌که مردم سوالی کنند به گفته‌های او معتقد بودند و تصور می‌کردند که همین رهبر ما را به طرفی می‌برد که خیر و فلاح ما است.

امروز یک دور دیگری است در این دور من بدین نظر هستم که یکی از مشکلات مردم نبود زعیم ملی است که تا حال تبارز نکرده است؛ زمانی که در یک کشور زعیم ملی تبارز نکند چه چارهٔ داریم؟ من زمانی که از زعیم ملی صحبت می‌کنم این زعیم کسی است که بتواند کشور را از بحران نجات دهد؛ یعنی رییس جمهور نه بل بیشتر و بالاتر از رییس جمهور باشد.

شما می‌دانید آمرصاحب شهید بالاتر از همه عمل می‌کرد، بدون این‌که در چوکی و مقامی بوده باشد؛ اما حرفش حرف نخست بود و او هر آن‌چه را که می‌گفت اعتقاد داشت؛ عمل می‌کرد و رهبری خردمندانه داشت.

ما در این دور تنها به یک رییس جمهور نیاز نداریم که مسایل اداری را بداند، بل به یک زعیم نیاز داریم تا کشور را از بحران نجات دهد.

ما در نبود زعیم ملی چه کاری را انجام داده می‌توانیم؟

در اول باید تیم زعیم ملی را ایجاد کنیم؛ زمانی که ما می‌گوییم دولت وحدت ملی ایجاد شود بدین معنا که شاهد مشارکت شمار زیادی از نخبه‌گان مدنی، سیاسی و دینی در اهرم قدرت باشیم تا بتوانند نمایندهٔ تیم زعامت ملی باشند و باورهای مردم را با خود به همراه داشته باشند.

مورد عقلانیت سیاسی که در این نشست از آن بار بار یادآوری شد و من با آن موافق هستم؛ یکی از مشکلات در کشور ما همین بوده است که اکثریت سیاسیون ما به عقلانیت سیاسی توجه جدی نداشته اند.

مورد دیگری که در بُعد فرهنگی مطرح شد من با آن موافق هستم و ما می‌خواهیم آجندای ملی نه تنها در بخش سیاسی بل در بخش فرهنگی و رسانه‌یی نیز فعال شود و بدان نسبت است که ما در چارچوب آجندای ملی یک شورای بزرگ داریم و این شورا در حال حاضر پنجاه یا شصت تن عضو دارد که از اقشار مختلف اجتماع به گونه‌یی رضاکار با ما فعالیت دارند؛ در دو بخش دیگر که یکی آن کارهای اکادمیک، تخصصی و سیاست‌گزاری را انجام می‌دهد و بخش دیگر آن شبکهٔ فرهنگی را ایجاد می‌کند.

ما در جزوهٔ دوم بخش بزرگ آن را اختصاص داده‌ایم برای جوانان و توقع ما این‌ست که جوانان بتوانند همین شبکهٔ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شورای آجندای ملی را ایجاد کنند؛ کسانی باشند که آجندای ملی را در میان مردم عام ببرند و مردم را با خبر سازند.

زمانی که یک بیداری ملی ایجاد شود کشور ما راهِ خود را پیدا می‌کند و منتظر نمی‌نشیند که کسی بیاید و دستِ شان را بگیرد؛ من همواره تأکید کرده ام که موضوعِ صلح یک موضوع ملی است و کلید آن در کشورهای دیگر است که گفته ام کلید گم‌شدهٔ صلح در میان خود افغانستانی‌ها است؛ اگر آن را دریابند و بتوانند به تفاهم برسند.

ما حمایت خارجی را نیاز داریم اما این بدان معنی نیست که همواره دست‌نگر آن‌ها باشیم چون یک روزی خارجی می‌گویند که شما در بین خود چه می‌کنید تا ما انجام دهیم؛ اگر شما نمی‌توانید یک نقشهٔ مشترک را بسازید و در مقابل کشور خود بی تفاوت هستید، پس ما چه نیازی دارم تا در این کشور باشیم.

به همین نسبت یکی از دعوت‌های ما همین است شما مردم سازنده‌گان این کشور هستید و یک‌بار دیگر تأکید می‌کنم که شما خود را بسیار بزرگ فکر کنید؛ این صحبت‌ها هم گونه‌یی سیاسی و تبلیغاتی ندارد که من زمانی به کابل رفتم از یاد ببرم بل می‌خواهم فکر کنید و دقیق شوید که ما چطور می‌توانیم این کشور را از بحران نجات دهیم.

مورد دیگری که می‌خواهم روی آن صحبت کنم موضوع ملت‌سازی است که یک پروسهٔ دراز مدت می‌باشد؛ متأسفانه در افغانستان پروسهٔ ملت‌سازی تا حال آغاز نشده است.

ما در طول تاریخ یک دورهٔ باطل را بار بار تجربه می‌کنیم به‌خاطری که ما تا حال یک وجود واحد نشده ایم.

در کشورهای جهان سوم مانند افغانستان دولت ملت‌سازی از خود ملت شروع می‌شود، یعنی ما خود را باید در تصمیم‌گیری‌های بزرگ و ملی ببینیم و خود را شریک همه قضایا بدانیم.

حال باید با عبرت گیری از تاریخ گذشته باید پروسهٔ دولت ملت‌سازی را آغاز کنیم.

تا زمانی که همه مردم افغانستان مشکلات را به رسمیت نشناسند مه به تفاهم و هم‌گرایی نمی‌رسیم.

ورزش

سوآرس:

هنوز زود است درباره قهرمانی صحبت کنیم

کاپیتان لیورپول از صدرنشینی تیمش در لیگ جزیره خوشحال و همزمان معتقد است که هنوز زود است که درباره قهرمانی صحبت شود.

لیورپول با پیروزی که برابر کاردیف سیتی در هفته هفدهم لیگ برتر انگلیس به دست آورد تعداد امتیازات خود را به عدد ۳۷ رساند تا موقتا با یک بازی بیشتر نسبت به آرسنال در صدر جدول رده‌بندی قرار گیرد. ستاره لیورپول در این دیدار کاپیتان این تیم لوئیس سوآرس بود که دو گل به ثمر رساند و یک پاس گل هم داد.

سوآرس اروگویی از صدرنشینی تیمش خوشحال است. او پس از پایان بازی گفت: هنوز زود است که درباره قهرمانی صحبت کنیم. زمان زیادی تا پایان رقابت‌ها باقی مانده است. خوشبختانه لیورپول روزهای خوبی را پشت سر می‌گذارد و نتایج این تیم روز به روز در حال بهتر شدن است. الان صدرنشین هستیم و این ما را خوشحال می‌کند.

سوآرس اگر چه چند بازی نخست لیگ جزیره را به خاطر محرومیت از دست داد اما عملکرد خیره کننده‌ای در ترکیب تیمش داشته است و الان با ۱۹ گل زده در صدر جدول بهترین گلزنان قرار دارد.

این مهاجم اروگوئه‌ای دو روز پیش قرارداد خود را با وجود چند پیشنهاد خوب با قرمزپوشان آنفیلد تمدید کرد. او افزود: از تمدید قرارداد خود با لیورپول خوشحال هستم، اما تمام تمرکزم بر روی دیدار برابر کاردیف بود. در نیمه اول عملکرد خوبی داشتیم. خوشبختانه مزد بازی خوب خودمان را گرفتیم و در آنفیلد با قدرت ظاهر شدیم.

پیگرینی:

بازیکنان ذخیره دلیل اصلی پیروزی ما بودن

سرمربی منچسترسیتی از پیروزی برابر فولام خوشحال است. او بازیکنان ذخیره‌اش را دلیل اصلی پیروزی در این دیدار دانست. منچسترسیتی در هفته هفدهم لیگ برتر انگلیس با نتیجه چهار بر دو برابر میزبانش فولام به پیروزی رسید تا با ۳۵ امتیاز و تفاضل گل بهتر نسبت به آرسنال در رده دوم جدول رده‌بندی قرار گیرد.

مانوئل پیگرینی که تیمش در این روزها نتایج خوبی را کسب می‌کند، پس از پایان این دیدار گفت: بازیکنان منچسترسیتی در بعضی از دقایق عصبی بازی می‌کردند و همین مساله من را نگران کرده بود اما خوشبختانه در نهایت توانستیم به یک پیروزی ارزشمند خارج از خانه دست یابیم.

سرمربی سابق مالاگا افزود: در بعضی از دقایق احساس می‌کردم که بازی گره خورده است و نمی‌توانیم پیروز میدان شویم. به همین خاطر دست به تغییر زدم و خسوس ناواس، خاوی گارسیا و میلنر را به میدان فرستادم. با آمدن این سه بازیکن روند تیمی ما تغییر کرد و توانستیم به بازی دو بر دو را به چهار بر دو تبدیل کنیم. می‌توانم بگویم که ذخیره‌های منچسترسیتی دلیل اصلی پیروزی ما در بازی برابر فولام بودند. کسب سه امتیاز خارج از خانه برای منچسترسیتی اهمیت بسزایی داشت، چرا که می‌خواهیم به روند پیروزی‌های خود داخل خانه و خارج خانه ادامه دهیم. کسب پیروزی و ارائه بازی‌های زیبا آن هم در بازی‌های خارج از خانه سخت است اما امروز ما از عهده آن برآمدیم. احساس می‌کنم که شرایط منچسترسیتی روز به روز در حال بهتر شدن است. ما امتیازات زیادی را از دست دادیم. حالا دیگر می‌توانیم با اعتماد به نفس بالا در بازی‌های داخل خانه و خارج خانه به میدان برویم.

سرمربی شیلیایی همشهری‌ها در پایان سخنان خود گفت: امیدوارم منچسترسیتی در بازی‌های خارج خانه همچون دیدار امروز برابر فولام با اقتدار ظاهر شود. ما در دیدارهای خانگی عملکرد بسیار خوبی داریم، اما متاسفانه در خارج از خانه زیاد امتیاز از دست می‌دهیم.

مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : امیری
گروه نویسنده‌گان: حلیمه حسینی،احمد عمران و کاوه جبران
گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
برگ آرایی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ – هرات: ۰۷۹۳۸۹۹۴۴۶
مسؤول توزیع: حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
نشانی: چهارراهی حصهٔ دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچهٔ پنجم

شماره‌گان: ۵۰۰۰
به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان بر می‌گردد.

Year 5 ❁ NO 1202 ❁ Monday 23 December 2013

DAILY
Mandegar

طی موافقتنامه‌یی نقش ناتو در افغانستان مشخص می‌شود

به گفته مقام‌های پنتاگون و ناتو، مذاکرات افغانستان و ناتو در مورد توافقنامه «موقعیت نیروهای ناتو» رسماً آغاز شده است و طبق آن تکلیف حضور غیر رزمی نیروهای ناتو در افغانستان بعد از سال ۲۰۱٤ روشن می‌شود.
موریتس یوخمز، نماینده غیرنظامی ناتو در افغانستان و رنگین دادفر سپنتا، مشاور امنیت ملی رییس جمهور افغانستان روز شنبه اولین دور مذاکرات را درباره این موافقتنامه آغاز کردند.
ایمل فیضی، سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان در گفت‌وگو با شبکه بی‌بی‌سی گفت که دولت افغانستان قبلا علاقمندی خود را به منظور حضور ناتو در افغانستان بعد از ۲۰۱٤ اعلام کرده بود.
فیضی همچنین گفت که بحث روی مفاد این معاهده را دولت افغانستان در روزهای آینده در شورای امنیت این کشور آغاز خواهد کرد.
گفته می‌شود موافقتنامه «موقعیت نیروهای ناتو» مشابهت‌های زیادی با موافقتنامه امنیتی دوجانبه افغانستان با امریکا دارد. ولی آنچه متفاوت است، نقش نیروهای ناتو بعد از ۲۰۱٤ است.
در چارچوب این موافقتنامه، ناتو به آموزش، مشاوره و همکاری به نیروهای افغان ادامه خواهد داد، ولی ماموریت رزمی نخواهد داشت.
آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو در پایگاه اجتماعی توییتر از آغاز مذاکرات افغانستان و ناتو استقبال کرد. با این حال وی گفت که این معاهده تا زمان امضای توافقنامه امنیتی دوجانبه، امضا یا تایید نخواهد شد.
دبیر کل سازمان ملل اضافه کرد توافق نامه موسوم به «وضعیت نیروهای ناتو» برای آموزش، مشاوره و کمک به پولیس و ارتش افغانستان پس از خروج نیروهای رزمی بین المللی حیاتی است.
سخنگوی پنتاگون جان کربی نیز گفت: «تصمیم ناتو نشان دهنده تمایل جامعه بین الملل به حمایت از افغانستان پس از سال ۲۰۱٤ است. ولی هم دبیر کل ناتو و هم وزیر دفاع آمریکا چاک هیگل تصریح کرده اند که ناتو توافق نامه خود با افغانستان را مادامی که معاهده امنیتی واشنگتن و کابل به امضا نرسیده، نهایی نخواهد کرد.»
سخنگوی رییس جمهوری افغانستان می‌گوید صحبت‌های ابتدایی در مورد این موافقتنامه در ماه‌های گذشته صورت گرفته بود اما روز شنبه اولین پیش‌نویس رسمی این موافقتنامه به دست دولت افغانستان رسید.
پیشتر گزارش شده بود که ناتو برای آغاز گفت‌وگوها روی موافقتنامه وضعیت نیروهای ناتو، منتظر امضای موافقتنامه امنیتی دوجانبه میان امریکا و افغانستان از سوی حامد کرزی، رییس جمهوری این کشور است.
ماه گذشته جرگه مشورتی که کرزی به منظور بررسی مفاد موS افقتنامه امنیتی دوجانبه با امریکا فراخوانده بود، موافقتنامه را تایید کرد و از کرزی خواست که این موافقتنامه را امضا کند.
رییس جمهوری افغانستان امضای موافقتنامه دوجانبه امنیتی با امریکا را مشروط به آغاز مذاکرات صلح با طالبان و برقراری صلح در افغانستان کرده است.
شمار زیادی از کشورهای عضو ناتو اعلام کرده‌اند اگر موافقتنامه امنیتی میان امریکا و افغانستان امضا نشود و امریکا از افغانستان برود، آن‌ها هم از افغانستان خارج خواهند شد.

ده‌هاتن خواهان برکناری والی سمنگان شدند

ده‌ها شهروند ولایت سمنگان با راه اندازی تظاهراتی خواهان برکناری والی این ولایت شده اند.
معترضان در مقابل ساختمان ولایت سمنگان چادر زده اند و گفته اند تا زمانی که خیرالله انوش، والی این ولایت از کار برکنار نشود، دست از اعتراض نخواهند کشید.
این راهپیمایی ساعت ۸ صبح روز گذشته به وقت محلی برگزار شده و شهر ایبک مرکز ولایت سمنگان را از حالت عادی کشیده است.
محمد آصف عظیمی عضو پیشین مجلس سنا و از سازماندهان این راهپیمایی گفت که فساد در دستگاه ولایت سمنگان مردم را به تنگ آورده و مردم سمنگان دیگر نمی توانند تحمل کنند.
آقای عظیمی به بی‌بی‌سی گفت: «فساد اداری و اخلاقی توسط والی و برخی از مقام های ولایت سمنگان به اوج خود رسیده است، ما چند بار گوشزد کردیم که جلو فساد گرفته شود اما نشد و بالاخره به جاده ها ریختیم که بگوییم اداره فاسد را نیاز نداریم و باید والی عادل در سمنگان بیاید.»
معترضان والی سمنگان را به «قتل، فساد اداری و زورگویی» متهم کرده و گفته اند که برخی از مسئولان ادارات محلی در سمنگان با آقای انوش هم دست هستند.
خیرالله انوش والی ولایت سمنگان اما اتهامات

معترضان را بی‌جا می‌داند و می‌گوید که تعداد زیادی از شهروندان سمنگان در برابر معترضان و به حمایت از دولت راهپیمایی کردند.
آقای انوش می‌گوید که سازماندهان این راهپیمایی سابقه همکاری با گروه طالبان را دارند و می‌خواهند زمینه ورود مخالفان مسلح دولت در شهر را هموار کنند.
او می‌گوید که در نزدیک به چهار سال گذشته که والی سمنگان بوده، کارهای چشمگیری انجام داده است که نمی توان از این فعالیت ها چشم پوشی کرد.
آقای انوش به بی‌بی‌سی گفت: «افرادی که خواهان برکناری من هستند، پرچم سفید با خود حمل می‌کنند و نغمه های طالبانی پخش می‌کنند، سناتور صاحب خودشان تا زمان حکمرانی گروه طالبان عضو این گروه بود و حالا که در انتخابات شورای والایتی پیروز نشده است، در مقابل دولت می ایستد.»
اما محمد آصف عظیمی از سازماندهان این راهپیمایی حرف های آقای انوش را تکذیب میکند و می‌گوید که حالا که مردم در برابر او ایستاده اند، چنین اتهاماتی را به معترضان نسبت می‌دهد، او می‌گوید که اگر والی سمنگان مدرکی می‌داشت باید او را بازداشت می‌کرد.
شمس‌الدین میرزایی از شهروندان سمنگان می‌گوید که آرامش شهر بر هم خورده و تعداد زیادی از مغازه‌ها از صبح تا حالا بسته شده اند، او می‌گوید که معترضان در شهر لاستیک‌ها را به آتش کشیدند و جلو ساختمان ولایت سمنگان با سنگ موانع ایجاد کرده اند.
خیرالله انوش والی سمنگان که پیشتر عضویت حزب جنبش اسلامی را داشت، سه سال و نه ماه است که والی سمنگان است.

اعتراض برخی سناتوران به واگذاری کرسی شورای امنیت به هند

شماری از اعضای مجلس سنا عضویت موقت افغانستان را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مهم دانسته و می‌گویند که حکومت نباید این چانس را برای هند واگذار کند.
این سناتوران گفتند که عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱ یک فرصت بسیار مناسب برای افغانستان است تا در جهت پیشرفت سیاسی خود از آن استفاده کند.
ایمل فیضی سخنگوی ریاست‌جمهوری به روزنامهٔ ماندگار گفت که عضویت غیردایم شورای امنیت سازمان ملل متحد را به پاس دوستی به هند واگذار کرده اند.
اما برخی تحلیلگران گفته‌اند که حکومت حامدکرزی با چنین کاری، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است.
علی اکبر جمشیدی عضو مجلس سنا گفت: «متأسفانه این درخواست لغو گردیده، آیا کمک‌های هندوستان ارزش این را دارد که ما درخواست عضویت خود را از شورای امنیت ملل متحد به پاس دوستی با آن کشور لغو نماییم.»

شورای امنیت سازمان ملل متحد ۵ عضو دایمی و ده عضو غیر دایمی دارد که همه ساله پنج عضو غیر دایمی آن جدید انتخاب می‌گردند.
گفته شده روند انتخاب اعضای غیردایمی شورای امنیت در چهار گروه بزرگ حوزه‌یی میان کشورهای جهان صورت می‌گیرد که افغانستان عضویت گروه آسیا پسفیک را دارد.
هم اکنون ۵۳ کشور عضویت گروه آسیا پسفیک را داشته و هند یکی از کاندیدهای این گروه برای احراز یکی از کرسی‌های غیر دایمی سازمان ملل برای سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ می‌باشد.
در همین حال، مسوولان وزارت امور خارجه می‌گویند که به اساس روابط دوستی میان افغانستان و هند حکومت افغانستان تصمیم گرفته تا در انتخابات سال ۲۰۲۱ میلادی در شورای امنیت سازمان ملل، از کاندیداتوری هند حمایت کند.
جانان موسی‌زی سخنگوی این وزارت به روز یکشنبه در یک کنفرانس خبری در پاسخ به یک سوال در این مورد چنین گفت:
« بر اساس روابط دوستی و همکاری نزدیک که بین جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری هند وجود دارد، دولت افغانستان تصمیم گرفت تا در انتخابات سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ از کاندیداتوری هند حمایت کند، اما این بدان معنا نیست که ما علاقمند نیستم یا تلاش نخواهیم کرد که قبل از سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ بتوانیم عضویت شورای امنیت ملل متحد را بدست بیاوریم.»
مقامات همواره گفته اند که هند در چوکات پیمان همکاری‌های استراتیژیک کمک‌های زیادی در بخش های مختلف به افغانستان کرده است.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دفـاتر
سه ماهه – ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه – ۲۵۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله – ۵۰۰۰ افغانی

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤۰۰۰ افغانی

روزنامهٔ ماندگار
Mandegar Daily newspaper

دفاتر خارجی
سه ماهه – ۱۰۰ دالر
شش ماهه – ۲۰۰ دالر
نه ماهـه – ۳۰۰ دالر
یک ساله – ٤۰۰ دالر

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤۰۰۰ افغانی

حساب بانکي روزنامه ماندگار در میوند بانك: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸٤۳۰۱٦٤۰